



## Counter narco terrorism in international law

*Hamed Gholijani Moghadam*<sup>1</sup>

*Hosein Sharifi Tarazkoohi*<sup>2</sup>

*Mostafa Taghizadeh Ansari*<sup>3</sup>

Type of article: Research article extracted from doctoral dissertation



Received: 2021.1.17      Accepted: 2021.9.26

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97995

### *Absrtact*

There are various connections between terrorist organizations and criminal groups. Among organized crime, the involvement of terrorist groups in drug trafficking has become increasingly widespread. "Narcoterrorism" or "drug-related terrorism" is a clear manifestation of the link between terrorism and transnational organized crime, which is reflected in two main concepts: Direct involvement of terrorists in the drug trade to finance their activities as well as the use of terrorist methods by drug trafficking organizations to facilitate the drug trade. Although the relationship and interaction between these two phenomena has been recognized globally, but the forms and nature of this interaction due to its ambiguity and complexity, has always been debated. The purpose of this study is to investigate the combination of terrorism and drug trafficking in a single phenomenon called narcoterrorism. It also provides an answer to the question of what is the link between these two global threats and, from the perspective of international law, what steps have been taken to combat this link. The findings of this study show that drug trafficking has become the most important source of funding for terrorist groups in the world. And as long as there is widespread supply and demand for drugs on a global scale, the fight against narcoterrorist threats will not be successful. In addition, the lack of a comprehensive and binding global legal document has made counter-terrorism a problem. The present study is descriptive in nature and method and it is analytical and in terms of type, it is fundamental and the information contained in the research has been collected in a library method.

### *Key Words*

Narcoterrorism, International Terrorism, Drug Trafficking, Organized Crime, Terrorist Financing

1. PhD Student in International Law, Faculty of Law, North Tehran Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran, hamed.moghadam1362@yahoo.com

2. Professor of International Law, Faculty of Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), hsharifit@yahoo.com

3. Professor of International Law, Faculty of Law, North Tehran Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran, taghizadeh-ansari@iautnb.ac.ir

## مقابله با نارکو تروریسم در حقوق بین‌الملل

حامد گلجانی مقدم<sup>۱</sup>

حسین شریفی طراز کوهی<sup>۲</sup>

مصطفی تقی‌زاده انصاری<sup>۳</sup>

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکتری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸



فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی ۲۱) - پاییز ۱۴۰۰، ۸۵-۱۳۰

DOR: 20,1001,1,25381946./SSJ.2021,97995

### چکیده

ارتباطات گوناگونی میان سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه وجود دارد. در میان جرایم سازمان‌یافته، مشارکت گروه‌های تروریستی در قاچاق موادمخدر به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته‌است. "نارکو تروریسم" یا "تروریسم مرتبط با موادمخدر" جلوه‌ای بارز از پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی است که در دو مفهوم اصلی نمایان شده‌است: مشارکت مستقیم تروریست‌ها در تجارت موادمخدر برای تأمین مالی فعالیت‌های خود و نیز استفاده از روش‌های تروریستی از جانب سازمان‌های قاچاق موادمخدر برای تسهیل تجارت موادمخدر. اگرچه ارتباط و تعامل بین این دو پدیده به‌صورت جهانی موردشناسایی قرار گرفته‌است اما اشکال و ماهیت این تعامل به‌علت مبهم و پیچیده بودن آن، همواره موردبحث بوده‌است. هدف از این پژوهش، واکاوی ترکیب تروریسم و قاچاق موادمخدر در یک پدیده واحد به نام نارکو تروریسم است و نیز ارائه پاسخ به این مسئله که چه پیوندی میان این دو تهدید جهانی وجود دارد و از منظر حقوق بین‌الملل، چه اقداماتی در راستای مبارزه با این پیوند صورت گرفته‌است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قاچاق موادمخدر به مهم‌ترین منبع تأمین مالی گروه‌های تروریستی در جهان بدل گردیده‌است و تا زمانی که عرضه و تقاضای گسترده موادمخدر در مقیاس جهانی وجود دارد، مبارزه با تهدیدهای نارکو تروریستی با موفقیت همراه نخواهد بود. علاوه بر این، خلأ وجود یک سند حقوقی جامع و الزام‌آور جهانی، مقابله با نارکو تروریسم را با مشکلاتی مواجه ساخته‌است. پژوهش حاضر از منظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و از نظر نوع، بنیادی است و اطلاعات مندرج در پژوهش نیز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌است.

**واژگان کلیدی:** نارکو تروریسم، تروریسم بین‌المللی، قاچاق موادمخدر، جرایم سازمان‌یافته، تأمین

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

hamed.moghadam1362@yahoo.com

۲. استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. ac.ir/iaiu-tmb.ansari@taghzadeh

## مالی تروریسم

### مقدمه

تروریسم پدیده جدیدی نیست و از دیرباز تاکنون در اشکال و گونه‌های مختلفی خودنمایی کرده‌است. ترکیب خشونت و رعب و وحشت با یک هدف ایدئولوژیک، آنچنان خطرآفرین و دهشتناک است که کلام از توصیف آن ناتوان است. تروریسم امروزه، به مهم‌ترین چالش امنیت جهانی تبدیل شده‌است. سازمان ملل متحد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد، با تصویب کنوانسیون‌های ضد تروریستی و صدور قطعنامه‌های مختلف از سوی ارکان خود، به‌ویژه شورای امنیت، تعهدات الزام‌آور زیادی را برای کشورهای عضو مقرر نموده‌است و مقابله با تأمین مالی تروریسم، از مهم‌ترین تعهدات کشورهای عضو می‌باشد. امروزه، به‌طور گسترده‌ای این امر مورد شناسایی قرار گرفته‌است که تروریسم با سایر اشکال جرایم سازمان‌یافته مرتبط بوده و بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی جهت تأمین مالی و لجستیکی فعالیت‌های خود، از ارتباطات گسترده‌ای با گروه‌ها و سازمان‌های مجرمانه فراملی برخوردارند و جهانی شدن و رشد فناوری به فراملی شدن این جرایم بسیار کمک نموده‌است. بنا به گفته کارشناسان، جهانی شدن یکی از عوامل منجر به هم‌گرایی این دو گروه بوده‌است که به اصطلاح، پیوند ترور - جرم شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>

تلاقی و ترکیب تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مربوط به امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد؛ با این حال، شرایطی که به این تلاقی کمک می‌کند و یا مانع توسعه و گسترش آن می‌شود، به‌طور گسترده‌ای مورد بحث بوده‌است (Asal, 2015:1).

در میان جرایم سازمان‌یافته فراملی، بی‌شک تجارت موادمخدر بیشترین ارتباط را با تروریسم دارد. سابقه مبارزه جهانی با موادمخدر به اوایل قرن نوزدهم و انعقاد کمیسیون تریاک شانگهای برمی‌گردد. هرچند تلاش‌های جدی از سوی سازمان ملل متحد و ارکان فرعی آن برای مقابله و کنترل مصرف موادمخدر صورت گرفته‌است اما این موضوع به یک همه‌گیری جهانی تبدیل شده‌است. پیوند میان تروریسم و قاچاق موادمخدر امر تازه‌ای نیست و موارد بسیار زیادی حاکی از پیوند آنها در بیش از ۲۵ سال گذشته بوده‌است. بسیاری از سازمان‌های تروریستی به‌شدت درگیر تجارت موادمخدر شده‌اند؛ بنابراین، سازمان‌های ترکیبی‌ای در حال ظهور هستند که بخشی از آنها مربوط

۱. آنتونوگلو، ایوانماری، جنایت سازمان‌یافته و تروریسم: آیا آنها همگرا هستند؟، ر.ک. به: [www.vocaleurope.eu](http://www.vocaleurope.eu)

به تروریسم و بخش دیگری از آنها، نشانه یک سازمان قاچاقچی موادمخدر است (Braun, 2008). تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر دارای نیازهای لجستیکی مشابهی از جمله انتقال کالا و نیروها و استفاده از مناطق امن و مسیرهای قاچاق هستند. از سوی دیگر، هر دو با دشمنی مشترک به نام دولت‌ها مبارزه می‌کنند؛ از این رو، ارتباطات میان آنها برای هر دو طرف سودمند است؛ به عبارتی، نه تنها قاچاقچیان موادمخدر منابع مالی را برای سازمان‌های تروریستی فراهم می‌کنند بلکه همچنین، به تروریست‌ها برای رسیدن به اهداف استراتژیک‌شان یاری می‌رسانند. از سوی دیگر، مشارکت در تجارت موادمخدر برای تروریست‌ها از منظر اهداف ایدئولوژیک آنها نیز حائز اهمیت است. برخی از گروه‌های تروریستی بر این باورند که آنها می‌توانند از طریق وارد کردن اعتیاد به جوامع دشمنان خود، آنها را تضعیف کنند. درعین حال، سازمان‌های قاچاق موادمخدر از مهارت‌های نظامی تروریست‌ها و عرضه سلاح و محافظت‌شدن در هنگام قاچاق موادمخدر در مناطقی که تحت کنترل سازمان‌های تروریستی است، بهره‌مند می‌گردند (Rana, 2017:2).

استفاده از جرایمی همچون قاچاق موادمخدر نقش به‌سزایی در تأمین مالی و گسترش تروریسم داشته‌است. از بین بردن ارتباطات و پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی به‌ویژه قاچاق موادمخدر یک چالش بسیار مهم برای جامعه جهانی محسوب می‌گردد. اگرچه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، وجود چنین ارتباطاتی از منظر حقوق بین‌الملل موردشناسایی قرار گرفته‌است اما به‌دلیل ماهیت پیوسته در حال تکامل تروریسم و همین‌طور متنوع و پیچیده‌بودن این ارتباطات، هیچ‌گونه اجماعی بین محققان در مورد ماهیت و دامنه این ارتباطات وجود ندارد و این در حالی است که شناسایی و تجزیه و تحلیل ماهیت و دامنه این ارتباطات می‌تواند برای مقابله با این تهدید بسیار مثرثمر باشد. ماهیت این ارتباطات بیشتر بر مبنای محل و مکان وقوع این ارتباطات و تعاملات تعریف می‌شود و بر این اساس، از محیطی به محیط دیگر می‌تواند متفاوت باشد. از سوی دیگر، به‌علت اثر تقویت‌کنندگی این دو پدیده بر یکدیگر برای چندین دهه مبارزه بر ضد موادمخدر و مبارزه جهانی بر ضد تروریسم، دارای زمینه‌های مشترکی شده‌است. در مورد ترکیب مبارزه جهانی با تروریسم و مبارزه جهانی با موادمخدر و قاچاق آن، نارکوئوترونیسم مخرج مشترک این تلاش جهانی محسوب می‌گردد. مفهوم نارکوئوترونیسم نشأت گرفته از این طرح بوده‌است که دو پدیده تروریسم و قاچاق موادمخدر دارای وابستگی‌های زیادی هستند و متعاقب آن، جهت مبارزه با نارکوئوترونیسم، وجود همکاری و هماهنگی در سیاست‌های ضد تروریستی و ضد موادمخدر ضروری است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، سعی شده‌است تا ضمن توصیف مفهوم

نار کوتروریسم و شناسایی گونه‌های آن به صورت تحلیلی، به واکاوی اشکال پیوندها و تعاملات میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته با تأکید بر قاچاق موادمخدر پرداخته شود و همچنین، تلاش‌های جهانی صورت گرفته در مقابله با این موضوع از منظر حقوق بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### پیشینه پژوهش

مهدخت ذاکری (۱۳۹۸) موضوع نار کوتروریسم را با تمرکز بر شناسایی این پدیده به عنوان یک تهدید امنیتی به ویژه در منطقه خاورمیانه و آمریکای لاتین مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، ضمن بررسی مفهوم و تاریخچه نار کوتروریسم، به شناسایی مهم‌ترین گروه‌های نار کوتروریستی در دنیا از جمله طالبان، فارک و داعش پرداخته شده است و مهم‌ترین تهدیدهای این گروه‌ها را در مناطق مورد فعالیت، از منظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مورد بررسی قرار داده است. مطابق این پژوهش، در اتخاذ یک سیاست مناسب جهت مبارزه با نار کوتروریسم، ناگزیر شاخص‌هایی همچون مبارزه با فقر، فساد و رشد جمعیت و همچنین، عوامل فرامنطقه‌ای همچون سیاست‌های موادمخدری کشورهای بزرگ از جمله آمریکا در کشورهای منشأ نار کوتروریسم باید مد نظر قرار گیرد و رهبران سیاسی کشورها باید به یک درک مشترک مبنی بر وجود یک تهدید مشترک و جهانی دست یابند.

زهرآشرف‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر قاچاق موادمخدر و ترورهای سازمان‌یافته مرتبط با آن با تأکید بر منطقه آسیای مرکزی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش بیان می‌دارد که استفاده گروه‌های افراطی از قاچاق موادمخدر که در اغلب کشورهای آسیای مرکزی حضور فعال دارند، باعث افزایش تهدید در ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی در کشورهای این منطقه شده است. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که برای مقابله با پدیده نار کوتروریسم در منطقه آسیای مرکزی، کشورهای این منطقه باید در قالب سازمان‌های منطقه‌ای همچون آکو و سازمان همکاری شانگهای و سازمان کشورهای مشترک‌المنافع، چندجانبه‌گرایی را تقویت نمایند.

تاج‌الدین صالحیان و همکاران (۱۳۹۹) ضمن بررسی مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی که قاچاق موادمخدر برای کشورهای آسیای مرکزی، روسیه و ایران ایجاد کرده است، معتقدند که ایران و روسیه برای کنترل این مشکل، از راه تقویت مرزهای مشترک با کشورهای آسیای مرکزی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین، همکاری با نهادهای منطقه‌ای و ایجاد قوانین

سختگیرانه داخلی، در پی کاهش دادن معضلات مرتبط با نار کوتروریسم در منطقه آسیای مرکزی هستند.

محمود جلالی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیق خود، به بررسی تروریسم موادمخدری و رویکردهای حقوقی سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای و به‌ویژه اقدامات جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که اگرچه رویکردهای پیشگیرانه جمهوری اسلامی ایران مثمر‌تر بوده‌است، اما این اقدامات و رویکردها تاحدودی در تأسیس و عملی نمودن سازوکارهای حقوقی مدون کافی و وافی نبوده‌است؛ بنابراین، ضروری است که برای مقابله با تروریسم موادمخدری، مجموعه‌ای از اقدامات جامع و مدون که در سطح جامعه جهانی باشد، تدوین و تبیین گردد.

## مبانی نظری پژوهش

### الف. تعریف و گونه‌شناسی نار کوتروریسم

#### ۱. تعریف نار کوتروریسم

اصطلاح نار کوتروریسم، اولین بار در سال ۱۹۸۳ از سوی بلاونده تری - رئیس جمهور وقت پرو - برای توصیف حملات تروریستی بر ضد پلیس موادمخدر آن کشور مورد استفاده قرار گرفت. (Holmberg, 2009: 1). در میان تعریف‌های متعددی که از این اصطلاح به عمل آمده‌است، بهترین آن توسط فرهنگ لغت آکسفورد در سال ۱۹۹۹ ارائه شده‌است که نار کوتروریسم را به‌عنوان تروریسم مرتبط با موادمخدر تعریف کرده‌است؛ اما این تعریف نشان نمی‌دهد که آیا انگیزه‌های ایدئولوژیک، سیاسی، جنایی و تجارتي شاخص‌های اصلی این تعریف هستند یا خیر؟ (Hartelius, 2008: 135)؛ به عبارت دیگر، تعریف آکسفورد بیان نمی‌کند که کدام یک از انواع تروریسم یا موادمخدر بر دیگری تأثیرگذارتر است؛ بنابراین، با استفاده از یک تعریف موسع پذیرفته‌شده از نار کوتروریسم، طیف گسترده‌ای از افراد و گروه‌ها وجود دارند که می‌توانند با نار کوتروریسم مرتبط باشند (Haupt, 2009: 6). در سال ۱۹۵۸ پدیده نار کوتروریسم بسیار مورد توجه قرار گرفت؛ زمانی که کارتل موادمخدر موسوم به مدلین به گروه تروریستی جنبش ۱۹ آوریل پیوست و با حمله به دیوان عالی دادگستری کلمبیا در شهر بوگوتا ۱۱ قاضی ارشد دیوان را به دلیل جلوگیری از استرداد چند قاچاقچی بزرگ کواکئین به آمریکا به قتل رساندند (Hartelius: 1). راشل اهرنفلد - یکی از اولین و برجسته‌ترین محققان حوزه نار کوتروریسم - این پدیده را به‌عنوان "استفاده از قاچاق موادمخدر برای پیشبرد اهداف برخی از دولت‌ها و سازمان‌های تروریستی" توصیف می‌کند (Ehrenfeld, 1990: 30). اداره مبارزه

با موادمخدر آمریکا (DEA) یک تعریف کاربردی و عملیاتی از نارکو تروریسم به عنوان مبنا و پایه و اساسی برای بحث‌های آینده در مورد این پدیده ارائه کرده‌است که به موجب آن، نارکو تروریسم به عنوان «مشارکت گروه‌ها و یا افراد مرتبط با آنها در اخذ مالیات، فراهم کردن امنیت و یا به هر طریقی کمک به قاچاق موادمخدر در تلاش برای افزایش آن یا تأمین مالی اقدامات تروریستی» تعریف شده‌است (Hutchinson, 2002).

در تعریفی دیگر از نارکو تروریسم، این پدیده اشاره دارد به استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز شبه تروریستی از سوی قاچاقچیان موادمخدر جهت تسهیل قاچاق موادمخدر خود و در مفهومی ویژه، اشاره دارد به مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی به منظور تأمین مالی خود در فرآیند قاچاق موادمخدر اعم از کشت، تولید، ترانزیت و توزیع موادمخدر در سطح خرده‌فروشی و نیز به اخذ مالیات از کشاورزان تولیدکننده محصولات خام موادمخدر و همین‌طور ایجاد پناهگاه‌های امن برای قاچاقچیان موادمخدر که در قلمرو تحت کنترل سازمان‌های تروریستی فعالیت می‌کنند و همچنین، اخذ مالیات از سازمان‌های قاچاق موادمخدر جهت حفاظت از آنها در مسیرهای ترانزیت موادمخدر. در این مفهوم، حتی کوچک‌ترین اشکال جرایم قیدشده نیز باید در مفهوم نارکو تروریسم بگنجد (Haupt: 6).

در خصوص معضلات تعریف نارکو تروریسم باید به این نکته اشاره کرد که این پدیده دارای مفهومی پیچیده و مبهم است؛ فارغ از اینکه مشخص نمی‌کند که تأکید بر کدام یک از موضوعات تروریسم و موادمخدر است. یکی دیگر از معضلات تعریف آن، مربوط به ماهیت سیاسی آن است که خود، برگرفته از معضلات مربوط به تعریف تروریسم می‌باشد؛ در حالی که برخی از سازمان‌ها از جانب برخی از کشورها به عنوان سازمان‌های تروریستی قلمداد می‌شوند، در مقابل، کشورهای دیگر آنها را مبارزان آزادی یا سازمان‌های شورشی می‌نامند (McCormack, 2007)؛ به عنوان مثال، در ترکیه که برای دهه‌ها مرکز یک طوفان عظیم از اقدامات تروریستی و تجارت موادمخدر بوده‌است و بسیاری از کشفیات مربوط به موادمخدر در طول دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی مربوط به سازمان تروریستی پ.ک.ک بوده‌است و اثبات شد که تمام قاچاقچیان این مواد، از ستیزه‌جویان این سازمان بوده‌اند، اما با وجود اسناد اثبات‌کننده ارتباط این سازمان با قاچاق موادمخدر، بسیاری از کشورها این سازمان را تروریستی قلمداد نمی‌کردند تا زمانی که در تاریخ ۲ می ۲۰۰۲ شورای اتحادیه اروپا متعاقب درخواست‌های مکرر کشور ترکیه، این سازمان را به عنوان یک سازمان تروریستی موردشناسایی قرار داد (EU Council Decision, 2002: 334).

در بسیاری از موارد، نارکوتروریسم معنایی فراتر از ویژگی‌ها و تعریف‌های عملیاتی خود پیدا کرده‌است و فارغ از استفاده سیاسی از آن و فارغ از ویژگی حقوقی دو عنصر تشکیل دهنده خود، به دلیل تنوع مصادیق آن و اینکه این اصطلاح مشخص نمی‌کند که بیشتر بر کدام جنبه تأکید دارد، ارائه یک تعریف حقوقی جهانی از آن نسبتاً دشوار است (Haupt: 41). لوپشا در این باره می‌گوید: نارکوتروریسم به‌عنوان یک مفهوم حقوقی که از آن می‌توان الگوهای بهتری برای درک رابطه بین تروریسم و قاچاق موادمخدر داشت، در حال حاضر، بسیار بد تعریف شده‌است و یک اصطلاح آلوده سیاسی است (Lupsha, 1989: 70).

## ۲. گونه‌شناسی نارکوتروریسم

واضح است که نارکوتروریسم بحث‌برانگیزتر از سلف خود - یعنی تروریسم - است. اگرچه هیچ اجماعی میان دانشگاهیان، تحلیلگران و مقامات دولتی در مورد تعریف نارکوتروریسم وجود ندارد، با این حال، مطالعاتی در مورد گونه‌شناسی آن توسط محققان صورت گرفته‌است و جمیع این محققان نسبت به موارد زیر به‌عنوان گونه‌های اصلی پدیده نارکوتروریسم اتفاق نظر داشته‌اند:

۱. **نارکوتروریسم حقیقی:** اولین گونه از پدیده نارکوتروریسم و در مفهوم اخص واژه، نارکوتروریسم حقیقی است که رایج‌ترین طرح در اذهان عمومی نسبت به این پدیده است و زمانی که مردم در مورد این پدیده فکر می‌کنند، موضوع دخالت مستقیم گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در قاچاق موادمخدر به ذهن آنها متبادر می‌گردد. برخی از سازمان‌های تروریستی تجارت موادمخدر را از زمان کشت و تولید تا زمان توزیع آن تحت کنترل خود دارند. آنها موادمخدر موردنیاز را تولید و سپس آنها را به آزمایشگاه‌های مربوطه انتقال داده و پس از تهیه موادمخدر، آن را به مناطق مصرف‌کنندگان انتقال می‌دهند و یا شرایط انتقال آن را فراهم می‌کنند و در نهایت، با استفاده از اعضا و شبکه‌های خود، اقدام به توزیع آن می‌نمایند. بسیاری از سازمان‌های تروریستی مورد اشاره در این تحقیق، در یک یا تمام مراحل فرآیند تجارت موادمخدر درگیر بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال، فارک در کلمبیا در کشت گیاه کوکا و عملیات تولید کوکائین در آزمایشگاه‌های خود و صادرات آن به‌خصوص به کارتل‌های موادمخدر مکزیکی در ازای دریافت پول نقد و سلاح مشارکت دارد. در افغانستان نیز القاعده و طالبان همین فرآیند را دنبال نموده و در تمام مراحل قاچاق موادمخدر به‌ویژه تریاک و هروئین مشارکت مستقیم دارند.

۲. **نارکوتروریسم جنایی:** این گونه از پدیده نارکوتروریسم فقط برای کسب پول و مزایای مالی صورت می‌گیرد و زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان‌ها و گروه‌های قاچاق موادمخدر از روش‌های



خشونت آمیز شبه تروریستی برای ایجاد وحشت و تهدید دولت‌ها، شهروندان و اشخاصی که تهدیدی بر ضد تجارت سودآور آنها محسوب می‌شوند، استفاده می‌کنند. اولین و مهم‌ترین هدف این سازمان‌ها، حفاظت از تجارت خود و افزایش منابع مالی است و خشونتی که آنها به کار می‌گیرند، به هیچ‌عنوان کمتر از خشونت مورد استفاده تروریست‌ها نیست. کارتل‌های کولائین آمریکای لاتین به‌ویژه کارتل "مدلین" و کارتل "کالی" که معروف‌ترین و خشن‌ترین آنها هستند، بهترین مثال برای این‌گونه از نارکو تروریسم هستند. لازم به ذکر است که نارکو تروریسم حقیقی و جنایی، متداول‌ترین گونه‌های نارکو تروریسم از حیث عملیاتی هستند.

**۳. نارکو تروریسم دولتی:** نارکو تروریسم دولتی یا تحت حمایت یک دولت، زمانی اتفاق می‌افتد که برخی از دولت‌ها از سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی درگیر قاچاق موادمخدر، حمایت و پشتیبانی می‌کنند. در این مورد، کشورها به دنبال تغییر نظام سیاسی از طریق بی‌ثبات‌سازی حکومت در کشورهایی هستند که این سازمان‌های تروریستی در آنها فعالیت می‌کنند و بر این اساس، به هر وسیله ممکن به سازمان‌های تروریستی برای ترانزیت موادمخدر و دسترسی آنها به سلاح کمک می‌کنند. این دولت‌ها می‌دانند که با وارد کردن موادمخدر به آن کشور، می‌توانند پایه‌های فرهنگی و سیاسی آن جامعه را به لرزش درآورند (Cacir Reha, 2002: 95 - 98). اقدامات دولت استعمارگر بریتانیا در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم برای وارد کردن تریاک به چین و تشویق به تولید آن در میان مردم این کشور و بهره‌گیری دولت آمریکا از تجارت موادمخدر در جهت توسعه اقدامات تروریستی خود، می‌تواند مصداق مناسبی از این‌گونه باشد.

**۴. نارکو تروریسم ساختگی (غیر واقعی):** این‌گونه زمانی اتفاق می‌افتد که یک گروه یا سازمان غیر تروریستی به دروغ و به منظور تصویرسازی منفی، به دخالت در تجارت موادمخدر ارتباط داده می‌شود. برخی از دولت‌ها ممکن است با اغراق و ایجاد یک وضعیت ساختگی و غیرواقعی به دنبال حمایت داخلی و بین‌المللی برای اعمال سیاست خود در منطقه و بدنام نمودن آن سازمان باشند. در این موارد، باور عمومی این است که قاچاق موادمخدر یک جرم ضد بشری است که توسط این گروه‌ها و سازمان‌ها اعمال شده است. زمانی که چنین سابقه و شهرت بدی از طریق انجام این‌گونه تبلیغات ناپسند انجام گرفت، گروه‌ها و سازمان‌های متهم، به میزان قابل توجهی شهرت و اعتبار و حمایت‌های مردمی خود را از دست خواهند داد (Ibid: 100). اسکاوت در کتاب خود - سیاست کولائین - استدلال می‌کند که نارکو تروریسم یک اصطلاح ساختگی است که توسط دولت رئیس‌جمهور ریگان به منظور کسب حمایت‌های مردمی در مبارزات انتخاباتی و به‌عنوان یک ابزار

تبلیغاتی بر ضد کشورهای کمونیستی، به‌ویژه نیکاراگوئه، مورد استفاده قرار گرفته است (Scott, P., et al, 1999).

**۵ - نارکو تروریسم ابزاری:** واضح است که موادمخدر یک عامل مهم در تضعیف نظم و قانون و امنیت اجتماعی و ثبات یک جامعه محسوب می‌شود و مصرف‌کنندگان موادمخدر عملاً تبدیل به بردگان اعتیاد خود می‌شوند و دیگر قادر به انجام وظایف خود در قبال جامعه نیستند و در نتیجه، با مصرف موادمخدر، دموکراسی در یک جامعه کاهش می‌یابد (Hutchinson: 2002). از این رو، قاچاق موادمخدر اغلب یک هدف دوگانه برای تروریست‌ها محسوب می‌گردد؛ چراکه نه تنها منابع مالی عملیات‌های خود را از طریق تجارت موادمخدر به دست می‌آورند بلکه همچنین می‌توانند با غرق کردن جوامع کشورهای دشمن خود در اعتیاد، موجبات تضعیف آنها را فراهم آورند. برخی از این سازمان‌های تروریستی به‌ویژه از این استدلال برای توجیه مشارکت خود در قاچاق موادمخدر برای اعضا و حامیان خود استفاده می‌کنند (Mccarthy, 2003)؛ به‌عنوان مثال، طالبان اگرچه تولید و مصرف موادمخدر را در تقابل با ایدئولوژی خود مبتنی بر دین اسلام تلقی می‌کند اما تجارت آن را مشروع قلمداد کرده است؛ چراکه معتقد است که "کافران غربی" با مصرف موادمخدر صدمه خواهند دید (Jamal Khan, 2013: 29). در همین رابطه، یکی از تروریست‌های طالبان که در آمریکا محکوم شد، بیان داشت: «هدف مشترک ما کشتن است؛ چه با موادمخدر و چه با اسلحه» (Sari: 480).

### ب. عناصر تشکیل‌دهنده نارکو تروریسم و ارتباط آنها با جرایم سازمان‌یافته

مفهوم نارکو تروریسم در دو عنصر و مفهوم کلیدی شکل گرفته است: گروه‌ها و سازمان‌های قاچاق موادمخدر درگیر تروریسم و برعکس، سازمان‌های تروریستی که درگیر تجارت موادمخدر هستند (Nevirko, 2017: 195). هر دو پدیده - تروریسم و موادمخدر - تهدیدهایی بسیار جدی برای صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شوند و به‌طور حتم، ادغام و ترکیب این دو پدیده می‌تواند پیامدهایی به‌مراتب بزرگ‌تر دربرداشته باشد؛ از این رو، برای داشتن درک بهتری از این پدیده، ضروری است که عناصر تشکیل‌دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد. مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده نارکو تروریسم به قرار زیر است:

#### ۱. تروریسم

در گونه‌شناسی تروریسم، نارکو تروریسم گونه‌ای از تروریسم است که با یکی از مهم‌ترین اشکال جرایم سازمان‌یافته یعنی قاچاق موادمخدر ترکیب می‌شود؛ بنابراین، اولین عنصر تشکیل‌دهنده

نارکو تروریسم ناشی از ماهیت خود - یعنی تروریسم - است. اگرچه در جامعه جهانی، هیچ گونه اجماعی برای یک تعریف واحد و پذیرفته شده بین المللی از تروریسم وجود ندارد اما جامعه جهانی یک چارچوب حقوقی بین المللی را که شامل ۱۹ سند حقوقی الزام آور از جمله ۱۳ کنوانسیون جهانی است، برای مقابله با این تهدید، مدون نموده است. تمام این اسناد بدون اینکه یک تعریف پذیرفته شده جهانی از تروریسم ارائه دهند، تنها گونه های خاصی از تروریسم را هدف قرار داده اند. در واقع، تعریف های ارائه شده از تروریسم در این اسناد فقط مرتبط با شکل خاصی از تروریسم است که سند حقوقی مربوطه، به آن پرداخته است. در سطح بین المللی، علاوه بر این ۱۹ سند حقوقی الزام آور، مجمع عمومی و به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد، قطعنامه های متعددی را در رابطه با تروریسم صادر کرده اند و برخی از این قطعنامه به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که متعاقب حوادث مرگبار ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ صادر شد، تعهدات الزام آوری را برای کشورهای عضو سازمان ملل در نظر گرفته اند. از حیث اجرایی نیز سازمان ملل با تأسیس نهادهایی به دنبال اجرایی کردن تعهدات کشورهای عضو بر اساس قطعنامه های شورای امنیت به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ و همچنین، الزامات و تعهدات مندرج در ۱۹ سند جهانی بر ضد تروریسم است که از مهم ترین آنها می توان به کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل (CTC) اشاره کرد. کمیته ضد تروریسم سازمان ملل دارای سه هدف اصلی می باشد که شامل تقویت ظرفیت های ضد تروریستی کشورهای عضو، تسهیل انتقال کمک های فنی به کشورهای عضو جهت انجام تعهدات ضد تروریستی و هماهنگی اقدامات ضد تروریستی سازمان های بین المللی، منطقه ای و بین منطقه ای می باشد.

از سوی دیگر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۸ سپتامبر ۲۰۰۶ استراتژی جهانی مقابله با تروریسم را تصویب نمود که هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می گیرد و یک سند جهانی منحصر به فرد برای افزایش تلاش های منطقه ای و بین المللی برای مبارزه بر ضد تروریسم بین المللی محسوب می گردد. چهار محور اصلی این استراتژی جهانی شامل این موارد است:

۱. پرداختن به شرایطی که موجب ایجاد و گسترش تروریسم می شود؛
۲. اقدامات لازم برای پیشگیری و مبارزه با تروریسم؛
۳. اقدامات لازم برای ایجاد ظرفیت و توانایی کشورها برای جلوگیری و مبارزه با تروریسم و تقویت نقش سیستم سازمان ملل در این زمینه؛
۴. اقدامات لازم برای اطمینان از حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به عنوان پایه های

اساسی مبارزه با تروریسم.<sup>۱</sup>

تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که اختلاف نظر میان کشورها در خصوص اینکه آیا اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش و ضد استعماری و نیز اقدامات نیروهای مسلح کشورها در طول مخاصمات می‌تواند مصداق تروریسم باشند یا خیر، دو مانع اصلی در دستیابی به یک تعریف جامع در حقوق بین‌الملل هستند (Vastakas, 2013). مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۴۹/۶۰ خود در ۹ دسامبر ۱۹۹۴ تعریفی نسبتاً جامع از تروریسم را به این شکل ارائه داده است: «اقدامات جنایی که با هدف برانگیختن رعب و وحشت در میان مردم، گروهی از افراد و یا افراد خاص و با اهداف سیاسی انجام شده باشد، تروریسم تلقی می‌شوند و تحت هر شرایطی و با هرگونه انگیزه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی و مذهبی، غیرقابل توجیه می‌باشند». آنتونیو کاسسه - تحلیلگر مشهور حوزه تروریسم - معتقد است که این قطعنامه بیانگر یک توافق جامع در مورد یک تعریف عام از تروریسم است (Cassese, 2005: 449). همچنین، اغلب اعضای کمیته ششم مجمع عمومی که بر اساس طرح پیشنهادی از سوی هند، کار تدوین کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم بین‌المللی را در سال ۲۰۰۰ برعهده گرفتند و البته، این کنوانسیون تاکنون لازم‌الاجرا نگردیده است، بر این باور هستند که متن ماده ۲ ارائه شده در جلسه ششم این کمیته در سال ۲۰۰۲ می‌تواند مبنای خوبی برای تعریف باشد.

بر اساس ماده ۲ پیش‌نویس کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم، تروریسم به هرگونه عمل، تلاش یا تهدید غیر قانونی و عامدانه که منجر به یکی از موارد زیر شود، اطلاق می‌گردد:

الف. مرگ یک انسان یا ایراد صدمات بدنی شدید به وی؛

ب. خسارت جدی به اموال عمومی یا خصوصی از جمله اماکن عمومی، ساختمان‌های دولتی یا حکومتی، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، تسهیلات زیرساختی یا محیط زیست؛

ج. خسارت به مال اماکن، تسهیلات یا سیستم‌ها یا قسمت‌های دیگر که منجر به آسیب بزرگ اقتصادی شود یا احتمال ایراد این آسیب را امکان‌پذیر سازد.

اگرچه حصول موفقیت در عرصه مبارزه با تروریسم و گونه‌های آن از جمله نارکوتروریسم، یک آرمان جهانی است اما وجود یک تعریف پذیرفته شده جهانی مسلماً اولین گام برای تحقق آن است؛ امری که در حال حاضر و با توجه به رویه و سیاست کشورها بسیار سخت قابل تصور است.

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد تروریسم و سایر اشکال جرایم سازمان‌یافته فراملی، ر.ک. به: دفتر موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ قابل دسترسی در: [www.unodc.org](http://www.unodc.org)

۲. قطعنامه تصویب شده توسط مجمع عمومی (A. Res. ۴۹۶۰/۳۰)، ژانویه ۱۹۹۴

## ۲. قاچاق موادمخدر

دومین عنصر تشکیل دهنده پدیده نارکوتروریسم، قاچاق موادمخدر است. مفهوم قاچاق موادمخدر به نسبت تروریسم و سایر اشکال جرایم سازمان یافته، دستخوش تحولات کمتری شده است (Paoli, 2018: 5). قاچاق موادمخدر یک تجارت غیرقانونی جهانی است که شامل کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و فروش موادمخدر است. قاچاق موادمخدر فارغ از آثار اجتماعی ویرانگر آن، به دلیل خشونت‌های مرتبط با آن، به یک نگرانی اصلی جامعه جهانی تبدیل شده است. بدون وجود قاچاقچیان موادمخدر، تجارت موادمخدر یک تجارت بومی خواهد بود؛ تجارتی با تولیدکنندگان جزئی که هیچ ابزاری برای انتقال تولیدات خود به سراسر مرزهای بین‌المللی و رساندن آن به دست مصرف‌کنندگان ندارند (Jeet Kaur, 2016: 2). داده‌های نهادهای بین‌المللی و همچنین، مطالعات آکادمیک حاکی از آن است که قاچاق موادمخدر یکی از اصلی‌ترین اشکال جرایم سازمان یافته است؛ به‌عنوان مثال، پلیس اروپا در آخرین ارزیابی خود از جرایم سازمان یافته و خطرناک در سال ۲۰۱۷ در حدود پنج هزار گروه بین‌المللی مجرمانه سازمان یافته فعال در کشورهای اتحادیه اروپا را موردشناسایی و بررسی قرار داده و برآورد نمود که بیش از یک سوم آنها درگیر قاچاق موادمخدر بوده‌اند (SOCTA: 2017). تحلیل صورت گرفته توسط دفتر مبارزه با جرم و موادمخدر سازمان ملل متحد (UNODC) نشان می‌دهد که درآمد و پول ناشی از قاچاق موادمخدر در چندین کشور بزرگ غربی از جمله آمریکا، بریتانیا، هلند و ایتالیا، دومین منبع بزرگ درآمدهای جنایی بعد از فرار مالیاتی است.<sup>۲</sup> نگاهی اجمالی به آخرین گزارش این نهاد به درک بهتر ما از جدی بودن تهدید موادمخدر و قاچاق آن بر صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی کمک خواهد کرد. براساس گزارش این نهاد در سال ۲۰۱۹، بیش از ۲۷۱ میلیون نفر در سال ۲۰۱۷ بین ۱۵ تا ۶۱ سال حداقل برای یک بار از موادمخدر استفاده کرده‌اند که حداقل ۵/۵ درصد از جمعیت جهان است. با اینکه این میزان مشابه ارزیابی سال ۲۰۱۶ است؛ اما یک بررسی طولانی مدت نشان می‌دهد که تعداد افرادی که موادمخدر مصرف می‌کنند، هم‌اکنون ۳۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۶ است. بر اساس این گزارش، با وجود افزایش تولید برخی از انواع موادمخدر در دنیا، تولید موادمخدر در افغانستان در سال ۲۰۱۸ به نسبت سال قبل از آن، کاهش داشته است که علت آن خشکسالی گزارش شده است و این درحالی است که در این سال، ۲۶۳۰۰۰ هکتار از اراضی این کشور تحت کشت خشخاش بوده است. بعد

۱. گزارش دبیرکل در مورد تهدید تروریست‌های منتفع از جنایات سازمان یافته فراملی، ۲۱ مه ۲۰۱۵، S/2015/366، بخش ۲۵

۲. گزارش دفتر سازمان ملل متحد در مورد جرایم موادمخدر، ۲۰۱۱

از افغانستان، کشور میانمار با ۳۷۳۰۰ و مکزیک با ۳۰۶۰۰ هکتار اراضی تحت کشت، رتبه‌های دوم و سوم را دارا بوده‌اند. براساس این گزارش، در سال ۲۰۱۷ در حدود ۶۹۳ تن تریاک، ۱۰۳ تن هروئین و ۸۷ تن مورفین بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی کشورها در سراسر دنیا کشف و ضبط شده است. این گزارش مسیر بالکان را بزرگ‌ترین مسیر قاچاق موادمخدر معرفی کرده است که موادمخدر از افغانستان، ترکیه و کشورهای حوزه بالکان به غرب و مرکز اروپا منتقل می‌شود. بر اساس این گزارش، بیش از ۵۸۵ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ بر اثر مصرف موادمخدر جان خود را از دست داده‌اند که در مجموع، معادل ۴۲ میلیون سال عمر سالم بوده است و از این میزان، مرگ ۴۷ هزار نفر بر اثر مصرف بالای موادمخدر بوده است. این گزارش بیان می‌دارد که تولید تریاک در سال ۲۰۱۷ در حدود ۹۰۰۰ تن بوده است که در سال ۲۰۱۸ به حدود ۶۴۰۰ تن کاهش داشت. تولید جهانی کوکائین در سال ۲۰۱۷ در حدود ۱۲۷۶ تن برآورد شده و تولید کل هروئین دنیا به رقمی مابین ۴۸۷ تا ۷۳۷ تن در سال ۲۰۱۸ رسید (UNODC: 2019).

با توجه به سود هنگفت موادمخدر، این معضل به مهم‌ترین فعالیت مجرمانه گروه‌ها و سازمان‌های مجرمانه سازمان یافته تبدیل شده است. سیستم قاچاق موادمخدر مبتنی بر یک نظام سلسله‌مراتبی است. تولیدکنندگان موادمخدر افراد و گروه‌هایی را برای قاچاق آن از طریق مرزهای کشور به کار می‌گیرند و این مواد به دست افرادی می‌رسد که به عنوان واسطه یا دلالان موادمخدر شناخته می‌شوند و مواد را به خریداران آن منتقل می‌کنند. قاچاق موادمخدر به شدت در شبکه‌های مختلفی سازماندهی می‌شود. دو منطقه مرسوم به "مثلث طلایی" شامل تایلند، لائوس، میانمار و "هلال طلایی" شامل ایران، افغانستان و پاکستان از مهم‌ترین مسیرهای قاچاق موادمخدر در قاره آسیا محسوب می‌گردند. بخش زیادی از تولید موادمخدر در کشورهای فقیر - جایی که فرصت‌های اقتصادی کمیاب و اجرای قانون ضعیف است - و همچنین، کشورهای در حال توسعه است (Swanstrom, 2007: 22)؛ به عنوان مثال، افغانستان که از جنگ داخلی و ساختار سیاسی ضعیف و فساد اداری گسترده رنج می‌برد، بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک و هروئین در جهان است.

از منظر حقوق بین الملل، هدف نهایی سیستم کنترل بین المللی موادمخدر، محدود کردن کشت، تولید، صادرات و واردات، توزیع، تجارت، مصرف و دارا بودن موادمخدر به طور انحصاری جهت اهداف پزشکی و علمی است که امروزه، اجماع جهانی در مورد آن بیش از گذشته است (Zulfu, 2014). نیاز به ایجاد یک سیستم حقوقی مربوط به کنترل جهانی موادمخدر، برای اولین بار در سال ۱۹۰۹ احساس شد؛ زمانی که نمایندگان ۱۳ کشور در شانگهای چین با یکدیگر ملاقات کردند

تا درباره گسترش موضوعات مربوط به موادمخدر فقط برای مصارف پزشکی بحث و تبادل نظر کنند (Abeyante, 2010: 178). در این سال، تئودور روزولت - رئیس جمهور وقت آمریکا - از این کشورها برای تشکیل یک کمیسیون بین‌المللی در مورد ممنوعیت تریاک دعوت به عمل آورد. تصمیم شرکت کنندگان در این کمیسیون، مبتنی بر ممنوعیت استعمال تریاک و محدود کردن استفاده از آن فقط برای اهداف پزشکی و همچنین، کنترل صادرات آن بود (Boister, 1998) و بزرگ‌ترین دستاورد این کمیسیون، ایجاد یک اجماع و توافق جهانی در مورد موضوع قاچاق تریاک بود که به کمیسیون تریاک شانگهای معروف شد. در دنباله اهداف کمیسیون و پس از حدود پنج سال مباحثات بین دول شرکت‌کننده در جلسات مکرر، سرانجام بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ یازده کشور از جمله ایران، کنوانسیون تریاک را با هدف جرم‌انگاری در اختیار داشتن موادمخدر افیونی در کشورهای خود در شهر لاهه هلند تدوین نمودند.<sup>۱</sup> بعد از کنوانسیون لاهه، کنوانسیون بین‌المللی تریاک که در ۲۸ جولای ۱۹۲۸ لازم‌الاجرا شد، کنوانسیون تحدید ساخت و تنظیم توزیع موادمخدر در ۱۳ جولای ۱۹۳۱ در ژنو، کنوانسیون ۱۹۳۶ ممنوعیت قاچاق موادمخدر خطرناک در زمان حیات جامعه ملل ایجاد شدند. برخی معتقدند که این اسناد اولیه ضد موادمخدر، نه به دنبال نابود کردن تولید و تجارت موادمخدر بلکه به دنبال کنترل آن بر اساس اهداف پزشکی و علمی بودند (Chantal, 2003: 560).

اولین تحول اساسی نظام کنترل بین‌المللی موادمخدر بعد از تأسیس سازمان ملل پروتکل ۱۹۴۸ پاریس و پس از آن پروتکل تحدید و تنظیم کشت گیاه خشخاش، تولید و تجارت بین‌المللی و استفاده از تریاک در نیورک بود. مفاد اصلی این دو پروتکل، بیشتر اصلاح اسناد حقوقی مربوطه بود. اما شالوده اصلی نظام حقوقی بین‌المللی برای کنترل و مبارزه با موادمخدر تاکنون مربوط به سه کنوانسیون جهانی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم ایجاد شده‌اند. اولین مورد، کنوانسیون واحده موادمخدر در ۳۰ مارچ ۱۹۶۱ است که با پروتکل اصلاحی در سال ۱۹۷۲ تکمیل شد. این کنوانسیون دربرگیرنده مقرراتی است که در اسناد گذشته نیز مقرر گشته بود. این کنوانسیون مقررات موجود را به یک متن واحد و منسجم تبدیل و مکانیزم موجود کنترل موادمخدر را تسهیل نمود. پس از این کنوانسیون، در سال ۱۹۷۱ کنوانسیون وین مبارزه با قاچاق موادمخدر روان‌گردان برای مقابله با این گونه از موادمخدر ایجاد شد. در نهایت، کنوانسیون ۱۹۸۸ مبارزه با قاچاق موادمخدر و روان‌گردان تدوین شد که امروزه، مهم‌ترین سند حقوقی برای مقابله با موادمخدر محسوب می‌گردد.

۱. کنوانسیون بین‌المللی تریاک، امضا شده در ۲۳ ژانویه ۱۹۱۲-۱۹۱۴ در لاهه

این کنوانسیون که در ۱۱ نوامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شده است، یک سند حقوقی قدرتمند و جامع در مبارزه بر ضد قاچاق موادمخدر است که منعکس کننده قوی ترین اقدامات تنبیهی است. در حالی که کنوانسیون‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱ از دیدگاه بهداشتی و سلامت به موضوع موادمخدر می‌نگریستند، این کنوانسیون به طور صریح، با قاچاق و بازاریابی موادمخدر و توزیع آن مقابله می‌کند (Jenner, 2011: 917). به طور خلاصه، این کنوانسیون کشورهای عضو را به اتخاذ اقدامات حقوقی برای ممنوع کردن، جرم‌انگاری و مجازات تولید انواع موادمخدر، قاچاق، پول شویی ناشی از درآمدهای موادمخدر و کنترل مواد شیمیایی که می‌تواند در فرآیند تولید موادمخدر مورد استفاده قرار گیرد و همکاری در انجام اقدامات جهانی برای دستیابی به این اهداف متعهد می‌سازد نیز یک چارچوب قضایی را در همکاری برای مجازات کسانی که از قاچاق موادمخدر سود می‌برند، ایجاد کرده است. این چارچوب قضایی می‌تواند در مجازات تروریست‌های درگیر در قاچاق موادمخدر (نارکو تروریست‌ها) نیز اعمال گردد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کنوانسیون، تأکید آن بر پیشگیری و تطهیر درآمدهای ناشی از موادمخدر است و از این منظر نیز می‌تواند در مقابله با نارکو تروریسم مفید واقع شود. امروزه، این کنوانسیون تقریباً کامل بوده و مبنای قوانین ضد پول شویی بسیاری از کشورهاست (Zulfu: 91-92). سازمان ملل متحد علاوه بر کنوانسیون‌های ذکر شده، تعدادی از نهادها و ارگان‌های را با مسئولیت‌های ویژه در رابطه با کنترل و مبارزه با قاچاق موادمخدر ایجاد نموده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: کمیسیون موادمخدر که توسط شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در سال ۱۹۵۶ به عنوان نهاد سیاستگذار سازمان ملل در مورد کنترل بین‌المللی موادمخدر تشکیل شد، صندوق ملل متحد برای کنترل سوءاستعمال موادمخدر که به موجب تصمیمات مجمع عمومی در سال ۱۹۷۰ و توسط دبیر کل سازمان ملل برای طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های مربوط به کنترل موادمخدر ایجاد گردید، آهیئت بین‌المللی کنترل موادمخدر که در سال ۱۹۶۱ و مطابق ماده ۵ کنوانسیون واحد جواز تأسیس گرفت و در تلاش است تا کشت، تولید، ساخت و استعمال موادمخدر را به مقدار مناسب و مورد نیاز برای مقاصد علمی پزشکی محدود نماید<sup>۳</sup> و همچنین، دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل که یک رهبر جهانی در مبارزه بر ضد جرایم سازمان یافته از جمله موادمخدر است.<sup>۴</sup>

۱. کمیسیون موادمخدر غیرقانونی (CND)

۲. صندوق کنترل سوء مصرف موادمخدر سازمان ملل متحد (UNFODAC)

۳. کنترل گسترده بین‌المللی موادمخدر (INCB)

۴. دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC)



### ج. نارکوتروریسم و جرایم سازمان یافته

نارکوتروریسم پیوندی است میان تروریسم و موادمخدر. اگرچه بسیاری از محققان و کارشناسان حوزه تروریسم و همچنین، برخی از قطعنامه‌های ارکان سازمان ملل، به ارتباط میان تروریسم و جرایم سازمان یافته فراملی به‌ویژه قاچاق موادمخدر اشاره داشته و بر آن صحنه گذاشته‌اند اما بررسی حقوقی این ارتباط به دلیل فراملی بودن این دو و همچنین، ابهام در تعریف آنها امری پیچیده است. اولین سوالی که در خصوص رابطه بین تروریسم و جرایم سازمان یافته از جمله قاچاق موادمخدر مطرح می‌شود این است که آیا تروریسم یک جرم سازمان یافته فراملی است؟ بسیاری از کارشناسان تنها با استناد به گسترش جهانی تروریسم و اینکه تروریسم مرزهای بین‌المللی را درنوردیده و به یک جرم فراملی تبدیل شده است، این پدیده را یک جرم سازمان یافته فراملی قلمداد می‌کنند. مهم‌ترین تفاوت تروریسم و جرایم سازمان یافته در اهداف و انگیزه‌های آنها است؛ به نحوی که گروه‌های تروریستی دارای انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک هستند اما انگیزه اصلی گروه‌های مجرمانه سازمان یافته، کسب سود و مزایای مالی است. حال با توجه به توصیف گروه‌های مجرمانه سازمان یافته در کنوانسیون پالمو که هدف این گروه‌ها را کسب سود و مزایای مالی می‌داند و با عنایت به این نکته که تروریسم دارای اهداف سیاسی و ایدئولوژیک و غیر مالی است، آیا می‌توان تروریسم و اشکال آن از جمله نارکوتروریسم را یک جرم سازمان یافته فراملی محسوب نمود؟

کنوانسیون سازمان ملل متحد بر ضد جرایم سازمان یافته فراملی که بر اساس قطعنامه ۵۵/۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ در پالموی ایتالیا تدوین شد، بدون اینکه تعریفی از جرم سازمان یافته ارائه دهد، در ماده ۲ خود مقرر داشته است: «گروه مجرمانه سازمان یافته یعنی گروه سازمان یافته متشکل از سه یا چند نفر که برای یک دوره زمانی مشخص وجود داشته است و به‌طور هماهنگ با هدف ارتکاب یک یا چند جرم یا تخلف شدید مندرج در این کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیرمستقیم منافع مالی یا سایر منافع مادی فعالیت می‌کنند». به عقیده بن سائول - یکی از برجسته‌ترین کارشناسان سازمان ملل در حوزه تروریسم و جرایم سازمان یافته - در نتیجه این توصیف از سوی کنوانسیون پالمو و در یک مقیاس حقوقی، تروریسم و جرایم سازمان یافته فراملی می‌توانند گاهی هم‌پوشانی داشته و گاهی نیز متفاوت باشند. تروریسم و جرایم سازمان یافته، اغلب ویژگی‌های اقدامات ارتكابی از سوی گروه‌های ساختار یافته را به اشتراک می‌گذارند؛ از جمله جرایم شدیدی که منطبق با بند (ج) ماده ۲ کنوانسیون پالمو و بر اساس قوانین ملی کشورها دارای مجازات حبس بیش از ۴ سال و دارای عنصر فراملی بودن است. به‌طور کلی،

برای درک هم‌پوشانی یا تفاوت تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی، وجود یک هدف خاص از مزایای مادی یا مالی یک عنصر کلیدی است. گروه‌های تروریستی، اغلب، خود و اقدامات تروریستی خود را از طریق مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه نظیر سرقت، پول‌شویی، اخاذی، آدم‌ربایی و به‌ویژه قاچاق مواد مخدر تأمین مالی می‌کنند؛ در چنین مواردی، هدف فوری و آنی این گروه‌های تروریستی در ارتکاب این جرایم خاص، کسب سود و مزایای مالی و مادی است. همچنین، این یک واقعیت است که یک "هدف نهایی" برای استفاده از درآمدهای ناشی از این جرایم و برای تأمین مالی اقدامات تروریستی وجود دارد که به‌طور قطع، کاملاً مرتبط با هدف نهایی گروه‌های تروریستی که سیاسی و ایدئولوژیک است، می‌باشد. علاوه بر این، کنوانسیون پالمو اهداف گروه‌ها را بر اساس اقدام ارتكابی آنها تعریف می‌کند با ذکر عبارت "با هدف ارتكاب یک یا چند جرم شدید برای کسب منافع مالی یا مادی" و نه بر اساس اهداف کلی و نهایی خود گروه؛ بنابراین، نیازی نیست که هدف اولیه یا اصلی، به‌طور کلی، کسب منافع مالی یا مادی باشد و به عبارتی، عنصر "هدف خاص" مربوط به اهداف آنها برای ارتكاب یک یا چند جرم شدید است؛ بنابراین، این ماده اقدامات گروه‌هایی را که به منظور کسب منافع مالی یا مادی برای تأمین مالی اقدامات تروریستی و اهداف سیاسی خود، علاوه بر تروریسم، مرتکب جرایم شدید می‌شوند را مستثنی نمی‌کند. همچنین، از نقطه نظر اجرای قانون نیز در بسیاری از موارد، پیگرد قضایی چنین اقداماتی به‌عنوان جرایم سازمان‌یافته به نسبت تروریسم می‌تواند آسان‌تر باشد؛ چراکه نیازی به اثبات عناصر ماهوی تعریف تروریسم از جمله داشتن اهداف خاص برای ارباب مردم و یا اجبار حکومت برای انجام یا خودداری از انجام عملی و یا انگیزه‌های ایدئولوژیک و مذهبی نیست (Saul, 2017: 3-4).

در طول تهیه پیش‌نویس، کنوانسیون پالمو آمریکا استدلالی را مطرح کرد که طبق آن، ضرورت وجود یک هدف خاص برای کسب منافع مالی یا مادی دارای اهمیت زیادی است و این امر به مستثنی کردن تروریسم از عنوان یک جرم سازمان‌یافته فراملی کمک می‌کند. در مقابل، برخی از کشورها مانند ترکیه، حامی اعمال مفاد کنوانسیون پالمو بر جرم تروریسم بودند. البته پیش‌نویس قبلی کنوانسیون پالمو اقدامات تروریستی را به‌عنوان نمونه‌ای گویا و واضح از یک جرم سازمان‌یافته فراملی در فهرست خود قرار داده بود؛ با این حال، بر اساس قاعده کلی - که بیان‌کننده انجام هرگونه جرم شدیدی که برای کسب سود باشد - است، تروریسم از قلمرو این کنوانسیون خارج شد.

۱. کمیته موقت تدوین کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی، اولین جلسه، پیشنهادات و مشارکت‌های دریافتی از دولت‌ها، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸، (۴/۲۵۴.A/AC)، ص ۱۹

در نتیجه، با توجه به استدلال بیان شده و با توجه به توصیف کنوانسیون پالمو از گروه‌های مجرمانه سازمان یافته، برای تحت شمول قرار گرفتن تروریسم در قلمرو این کنوانسیون، باید به قصد و هدف ارتکاب اقدامات تروریستی توجه کرد. به عبارت دیگر، این قصد و هدف دارای سه مرحله است: قصد انجام یک اقدام خشونت آمیز، یک قصد خاص و ویژه به منظور ارباب و وحشت و هدف نهایی که بر اساس کنوانسیون پالمو باید برای کسب منافع مالی و مادی باشد. با این توضیح، اقدامات تروریستی که خشونت بار، ارباب آور و جهت کسب سود و منافع مالی و مادی است، در قلمرو کنوانسیون پالمو قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، اشکال و گونه‌های تروریسم زمانی می‌تواند در قلمرو این کنوانسیون باشند که در کنار اهداف سیاسی و ایدئولوژیک آنها دارای یک هدف ثانویه به منظور کسب منافع مالی و مادی باشند؛ بنابراین، تأمین مالی تروریسم نیز در این مجموعه قرار می‌گیرد و در مقابل، اقدامات تروریستی که فقط دارای انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک است، از حیطه اجرایی این کنوانسیون خارج است (Saul, op. cit: 4-5).

از سوی دیگر، این امر غیر قابل انکار است که بین قاچاق موادمخدر و جرایم سازمان یافته فراملی نیز رابطه مستحکمی وجود دارد. طبق توصیف گروه‌های مجرمانه سازمان یافته در کنوانسیون پالمو، گروه‌ها و سازمان‌های قاچاق موادمخدر نیز جزو این جرایم محسوب می‌گردند؛ چراکه قاچاق فراملی موادمخدر، به طور کلی، نیازمند یک مدت زمانی، مشارکت حداقل سه نفر و با انگیزه کسب سود است (Durnagol, 2009: 61). مطابق نظر ماکارنکو، در اصطلاح گروه‌های مجرمانه سازمان یافته، دو گروه اصلی در قاچاق موادمخدر وجود دارند: اولین گروه از این بازیگران قاچاقچیان و مافیای موادمخدر هستند که از طریق پایگاه‌های داخلی خود مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و معمولاً دارای یک شبکه بین‌المللی نیستند و اعضای آنها به طور معمول، محدود به یک طایفه یا گروه قومی خاص هستند و اغلب آنها در تجارت موادمخدر در کشورهای محل فعالیت خود مشارکت می‌کنند و نقش آنها در زنجیره موادمخدر ظاهراً محدود به خرید موادمخدر از کشاورزان و فروش آن به خریداران بین‌المللی است. از سوی دیگر، قاچاقچیان یا مافیای داخلی موادمخدر به طور مستقیم، مسئول توزیع بذرهای محصولات گیاهی موادمخدر (خشخاش، کوکا) به کشاورزان بومی و یا اعطای وام به آنها برای تولید محصولات خام موادمخدر اند. علاوه بر این، مافیای موادمخدر صف اول خریداران در تجارت بین‌المللی موادمخدر را تشکیل می‌دهند و به همین علت، دارای نفوذ و تأثیرات قابل توجهی در کشورهای میزبان خود هستند (Makarenko, 2002: 6-7). گروه دوم از مجرمان سازمان یافته که در تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی موادمخدر مشارکت دارند، گروه‌ها و سازمان‌های

سازمان یافته فراملی هستند که تهدیدهای بسیار جدی را بر منطقه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، وارد می‌آورند و سازمان‌های تروریستی بین‌المللی مصداق بارز این مورد هستند. این سازمان‌ها از فساد و تهدید برای اعمال نفوذ خود بر کشورها استفاده می‌کنند و مقیاس ارباب، خشونت و فساد ارتكابی این بازیگران بین‌المللی برای امنیت داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به نسبت قاچاقچیان داخلی موادمخدر، بسیار مخرب‌تر است. بسیاری از مقامات دولتی و امنیتی، بین مرگ و ایراد صدمات جسمانی به خود یا اعضای خانواده‌شان و یا دریافت رشوه و سکوت، گزینه دوم را انتخاب می‌کنند. به‌ویژه زمانی که این تهدیدها با دستمزد بسیار کم این مقامات از سوی دولت‌های خود ترکیب می‌شود (Ibid: 8-9). در خصوص اهمیت تهدیدهای سازمان‌های بین‌المللی قاچاق موادمخدر بان کی مون - دبیر کل وقت سازمان ملل - در کنفرانس ویژه کمیته دوم مجمع عمومی سازمان ملل با موضوعیت "مداخله خارجی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با قاچاق موادمخدر و نارکو تروریسم" این‌گونه بیان داشت: «در سال‌های اخیر، قاچاق بین‌المللی موادمخدر به‌عنوان یک تهدید اصلی برای صلح و امنیت بین‌المللی ظاهر گشته‌است». این واقعیت ۳ نکته اساسی را با خود به‌همراه داشته‌است:

۱. قاچاق موادمخدر به یک تهدید بسیار جدی تبدیل شده‌است؛
۲. هیچ کشوری نمی‌تواند به‌تنهایی با آن مقابله کند؛
۳. جهان به یک رویکرد متعادل‌تر برای کنترل موادمخدر نیاز دارد که باید بر موضوع کاهش تقاضای جهانی موادمخدر تمرکز داشته باشد.<sup>۱</sup>

با توضیحات ارائه‌شده، بی‌شک نارکو تروریسم را باید به‌عنوان یکی از جدی‌ترین اشکال جرایم سازمان یافته فراملی محسوب نمود؛ چراکه گروه‌ها و سازمان‌های نارکو تروریستی دارای تمامی اوصاف این‌گونه جرایم می‌باشند.

### ۱. ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان یافته

بررسی‌ها و تحقیقات در مورد ارتباطات میان گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته به این علت که این دو دارای تفاوت‌هایی به‌ویژه در اهداف خود هستند و در نهایت، قابل تلفیق با یکدیگر نیستند، به تأخیر افتاد (Neuman, 2017). در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در زمان ظهور پابلو اسکوبار (بزرگ‌ترین قاچاقچی کوکائین دنیا) تحلیل‌گران پدیده نارکو تروریسم را مورد بحث و تعریف

۱. دومین کمیته مجمع عمومی - کنفرانس ویژه مداخله خارجی به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با قاچاق موادمخدر و تروریسم موادمخدر، ۲۸ نوامبر تا ۱ دسامبر ۲۰۱۳

قرار دادند که آیا این پدیده نشان‌دهنده یک مورد واقعی از ارتباط بین تروریسم - جرم است یا خیر (Picarelli, 2012: 183). از اواخر همین دهه، به تدریج، سازمان ملل متحد و ارکان آن و همین‌طور، تمام تحلیل‌گران با وجود تفاوت‌های بارز میان تروریسم و اشکال مختلف جرایم سازمان‌یافته، بر وجود ارتباطات و پیوندهایی میان این دو تأکید ورزیدند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، روزنامه‌های فرانسوی به عملیات‌های گروه‌های مسلح افراطی - اسلامی به‌عنوان "تروریست‌های گانگستر" اشاره کردند؛ چراکه بسیاری از آنها در گذشته، در باندهای خلافاکار محلی عضویت داشتند. پلیس فدرال آلمان در سال ۲۰۱۵ گزارش داده‌است که از ۶۶۹ جنگجوی تروریست خارجی در آلمان که در مورد آنها اطلاعات کافی در اختیار داشتند، یک‌سوم آنها دارای سوابق محکومیت کیفری از جمله قاچاق موادمخدر بوده‌اند. بنا به اظهارات دادستان کل بلژیک نیز بیش از نیمی از تروریست‌های جهادی این کشور قبل از عزیمت به سوریه و پیوستن به داعش، دارای پرونده‌های کیفری بوده‌اند. مقامات نیروژ و هلند نیز تأکید کرده‌اند که حداقل ۶۰ درصد تروریست‌های جهادی آن کشور در گذشته، در جرایمی همچون فروش موادمخدر مشارکت داشته‌اند (Neuman, op. cit: 4). همچنین، به‌صورتی مشابه، ادعا شده‌است که حملات تروریستی "شارلی عبدو" در ژانویه ۲۰۱۵ در فرانسه با بودجه‌ای کمتر از ۲۰۰۰۰ دلار که از طریق مشارکت عامل این حملات در فروش موادمخدر جمع‌آوری شده بود، صورت گرفته‌است (Clarke, 2016: 7). همان‌طور که مشاهده می‌شود، مهم‌ترین عامل مشارکت گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در اشکال مختلف جرایم سازمان‌یافته از جمله قاچاق موادمخدر، گروگان‌گیری، اخاذی، قاچاق انسان و ... کسب بودجه لازم برای تأمین مالی خود است. تروریسم هزینه‌بردار است. در تعبیری درست، برخی از کارشناسان، پول را "خون حیات" سازمان‌های تروریستی معرفی کرده‌اند (Freeman, 2011: 461). سیاست هدف قراردادن تأمین مالی تروریسم، به‌ویژه پس از تصویب کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم سازمان ملل در سال ۱۹۹۹، تروریست‌ها را از بسیاری از منابع مالی خود محروم کرده و باعث چرخش آنها به سوی انجام اقدامات مجرمانه جهت تأمین مالی خود گردیده‌است که - همان‌طور که بیان شد - شاه‌رگ حیاتی تروریسم است (Makarenko. et al, 2019). در این میان، سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته که از لحاظ ساختاری و عملیاتی و نه از لحاظ اهداف و انگیزه، دارای تشابهاتی با یکدیگر هستند، دریافته‌اند که برای مقابله با دشمنی مشترک به نام دولت‌ها، نیازمند همکاری و تعامل بیشتری با یکدیگر هستند. این دو گروه دریافته‌اند که برای بقای خود در برخی موارد، ناچار به اشکال مختلفی از پیوند و تعامل با یکدیگرند؛ تعاملی که باعث تقویت آنها شده و

در نتیجه، موجب می شود که در یک محیط مجرمانه با یکدیگر همزیستی داشته باشند. پیوند میان این دو، به ویژه در پدیده نار کورتروریسم و در اشکال مختلف قابل مشاهده است. الکس اشمید معتقد است که از نقطه نظر گروه های تروریستی، هشت شاخص می تواند برقراری یک ارتباط نزدیک تر با گروه های مجرمانه سازمان یافته را تشویق کند که عبارتند از:

۱. دسترسی به منابع مالی بیشتر برای انجام حملات تروریستی؛
۲. استقلال از حمایت های مالی دولتی؛
۳. امکان ساخت یک پایگاه اقتصادی و جبران فقدان حمایت مردمی؛
۴. دسترسی به مهارت های تخصصی مثل جعل اسناد مسافرتی؛
۵. تسهیل عبور و مرور مرزی و به عنوان یک نمونه خاص، استفاده از مسیرهای قاچاق؛
۶. فعالیت جایگزین در طول مخاصمات و یا در پایان آن؛
۷. ارتباط با طیف گسترده تری از نیروهای بالقوه که هنوز قانون شکن هستند؛
۸. دسترسی به تخصص و مهارت در انتقال غیرقانونی و تطهیر پول (پول شویی برای انجام عملیات های خارجی).

همچنین، شواهدی وجود دارد که برخی از سازمان ها و گروه های مجرمانه سازمان یافته همانند کارتل های مواد مخدر کلمبیا و مافیای ایتالیا به ۵ دلیل مختلف از روش های تروریستی استفاده می کنند که عبارتند از (Schmid, 2005: 9):

۱. ایجاد اختلال در تحقیقات و پیگرد؛
۲. جلوگیری از آغاز یا تداوم سیاست های شدید دولت ها بر ضد آنها؛
۳. حذف مقامات موثر مجری قانون؛
۴. مجبور کردن قضات برای صدور احکام سبک تر؛
۵. ایجاد یک محیط مناسب تر برای انجام فعالیت های مجرمانه.

**۲. چارچوب های نظری در مورد ماهیت ارتباط و تعامل میان تروریسم و جرایم سازمان یافته**  
با وجود شناسایی ارتباط میان تروریسم و جرایم سازمان یافته، تاکنون واکنش های جهانی و منطقه ای به این موضوع محدود بوده است؛ چراکه کشورها بیشتر تمایل دارند تا به جای تلاش ها و اقدامات نوینی که ماهیت پیوند تروریسم با سایر جرایم را بررسی می کنند، بر موضوعات قدیمی و سنتی تروریسم از جمله تأمین مالی آن تمرکز داشته باشند (Reitano, 2017). تعامل میان گروه های

تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته ناواضح بوده و متمایز کردن این گروه‌ها از یکدیگر، به ویژه زمانی که هر دوی آنها از اقدامات خشونت آمیز استفاده می‌کنند، امری دشوار است. ارزیابی‌های متفاوتی در مورد میزان و ماهیت ارتباطات میان این دو گروه صورت گرفته و پرسش‌هایی که گاه با پاسخ‌های متفاوتی همراه بوده است: آیا این ارتباطات موقتی است یا دائمی؟ آیا این ارتباطات یک پیوند و وصلت است یا یک هم‌گرایی؟ آیا امکان تغییر شکل و چرخش یکی به دیگری وجود دارد؟ آیا این پیوند یک تهدید رو به رشد است؟ ماهیت و دامنه این ارتباطات و تعاملات متنوع است و به دلیل ماهیت موقعیت‌ها و شرایطی که در آن این ارتباطات و تعاملات صورت می‌گیرد و همچنین، دسترسی محدود به اطلاعات، تشخیص دامنه و ماهیت پیوند میان این دو گروه بسیار سخت است؛ بنابراین، ضروری است که درک بهتری از این موضوع داشته باشیم.<sup>۱</sup>

اولین نظریه مطرح شده در مورد ارتباط بین تروریسم جرایم سازمان یافته متعلق به ماکارنکو - مشاور عالی موسسه تحقیقات جرم و عدالت کیفری سازمان ملل - می‌باشد. ماکارنکو این ارتباط را به زنجیره‌ای تشبیه می‌کند که هر یک از این دو پدیده در یک سوی آن قرار دارند و از آن با عنوان "زنجیره جرم - ترور" یاد می‌کند. ماکارنکو چهار نوع رابطه را در امتداد زنجیره جرم - ترور مورد شناسایی قرار داده است. به گفته وی، این زنجیره این واقعیت را نشان می‌دهد که یک گروه یا سازمان می‌تواند معیارها را بین تروریسم و آنچه که به طور سنتی، به عنوان جرایم سازمان یافته خوانده می‌شود، بسته به شرایط و محیطی که در آن فعالیت می‌کند، تغییر داده و بالا و پایین بکشد. اولین نوع ارتباط در این زنجیره، "اتحاد" است و زمانی اتفاق می‌افتد که گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی که به دنبال وحدت با سازمان‌ها و گروه‌های مجرمانه هستند، با یکدیگر متحد می‌شوند. این گونه روابط می‌تواند در یک مدت کوتاه و یا طولانی، بسته به دلایل این اتحاد همچون تبادل مهارت‌ها و دانش تخصصی (از جمله در مورد پول شویی، ساخت بمب) و یا پشتیبانی تدارکاتی (از جمله دسترسی به مسیرهای قاچاق و ترانزیت موادمخدر، سلاح و انسان) ادامه داشته باشد. محسوس ترین مثال از جنبه اتحاد بین تروریسم و جرایم سازمان یافته مربوط به قاچاق موادمخدر است؛ به عنوان مثال، جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) به عنوان یک سازمان تروریستی، ارتباط نزدیکی با گروه‌های مجرمانه قاچاق موادمخدر افغانستان و آسیای مرکزی برای تضمین انتقال امن هروئین به این منطقه دارد.

۱. جلسه توجیهی باز کمیته مبارزه با تروریسم در مورد رابطه بین تروریسم بین‌المللی و جنایات سازمان یافته فراملی، مقر سازمان ملل، نیویورک، اتاق کنفرانس ۳، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۸

دومین نوع ارتباط به "انگیزه‌های عملیاتی" اشاره دارد که دربرگیرنده تلاش‌هایی از طرف گروه‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته برای به دست آوردن روش‌های درونی یکدیگر به منظور افزایش امنیت این گروه‌ها و عملیات‌های آنها است. ماکارنکو اظهار داشت که استفاده مجرمانه از روش‌های تروریستی می‌تواند در طول تاریخ جرایم سازمان یافته دیده شود اما استفاده تروریست‌ها از فعالیت‌های مجرمانه اخیراً ایجاد شده است. به طور فزاینده‌ای، گروه‌های مجرمانه درگیر فعالیت‌های سیاسی برای تغییر شرایط فعالیت و عملیات‌های خود، به ویژه در کشورهای ضعیف هستند و هم‌زمان گروه‌های تروریستی تمرکز خود را بر انجام فعالیت‌های مجرمانه برای تأمین مالی خود و به عنوان راهی برای جبران حمایت‌های مالی از دست رفته از سوی دول حامی خود معطوف می‌دارند. برای ارائه یک مثال خوب از این نوع ارتباط می‌توان به اقدامات شبه تروریستی گروه‌های مافیایی سیسیل ایتالیا اشاره کرد که از طریق بمب‌گذاری در خودروها، سعی در ایجاد بی‌ثباتی در این کشور داشتند. سومین نوع ارتباط، "هم‌گرایی" است که مستلزم تبدیل و تغییر شکل این دو گروه و ترکیب تاکتیک‌ها و انگیزه‌های آنها است؛ به حدی که سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته می‌توانند در یک موجودیت واحد، هم‌گرا شوند که ویژگی‌های هر دو گروه را به طور هم‌زمان نشان دهد؛ به عنوان مثال، برخی از سازمان‌های تروریستی همچون پ.ک.ک در ترکیه، فارک در کلمبیا و القاعده در افغانستان کاملاً درگیر فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته همچون آدم‌ربایی، اخاذی و به ویژه قاچاق مواد مخدر شده‌اند.

سرانجام، ماکارنکو نوع چهارم از ارتباط بین این دو پدیده در امتداد زنجیره جرم - ترور را به عنوان یک "سیاه چاله" توصیف می‌کند که بیانگر موقعیت‌ها و شرایطی هستند که در آن کشورهای ضعیف و شکست خورده باعث ایجاد هم‌گرایی بین تروریسم و جرایم سازمان یافته می‌شوند و در نهایت، یک پناهگاه امن را برای ادامه فعالیت گروه‌های هم‌گرا ایجاد می‌کنند. این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور از سوی یک گروه تروریستی - یعنی گروهی که هم به دنبال اهداف سیاسی است و هم در فعالیت‌های مجرمانه برای تأمین مالی خود مشارکت می‌کند (مانند سازمان‌های نارکو تروریستی) - کاملاً تحت تصرف درمی‌آید و در پی آن، به یک کشور در سیاه چاله تبدیل می‌شود. در این خصوص، می‌توان به برخی از این کشورها که در این سیاه چاله سقوط کرده‌اند (از جمله افغانستان و پاکستان) اشاره نمود (Makarenko, 2004: 130-137). روابطی که ماکارنکو در زنجیره جرم - ترور بیان نمود ماهیت تغییرات پی‌درپی گروه‌های تروریستی و فعالیت‌های آنها را نشان می‌دهد و همچنین، ماهیت بی‌ثبات‌گونه تعامل میان گروه‌های مجرمانه سازمان یافته و گروه‌های تروریستی که باعث



می‌شود گسترش اجرای قانون و پاسخ‌های ضد تروریستی برای مقابله با این پیوند جرم - ترور به‌ویژه مشکل شود (UNODC Education, op. cit, 2019: 20).

لوییز شلی نظریه دیگری را برای بررسی ارتباط میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته ارائه داد و در این راستا، چندین گونه از تعاملات را مورد شناسایی قرار داده‌است که شامل تخصیص فعالیت، پیوند، هم‌زیستی، ترکیب و تبدیل می‌باشد. همانند ماکارنکو، شلی نیز ادعا می‌کند که حرکت در امتداد این منظرهای تعامل امکان‌پذیر است و ممکن است که گروه‌ها به جلو حرکت کنند، به عقب برگردند، از مرحله‌ای به مرحله بعد جهش کنند یا یک شکل مداومی از منظرهای این تعامل را حفظ کنند. در نظریه شلی، تخصیص فعالیت زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته، روش‌های یکدیگر را اتخاذ می‌کنند بدون اینکه واقعاً با همدیگر همکاری داشته باشند یا با هم کار کنند. این جنبه از ارتباط، نشان‌دهنده یک پیوند مستحکم بین این گروه‌ها نیست اما نشان می‌دهد که چگونه یک روش می‌تواند با سهولت نسبی در این گروه‌ها به کار گرفته شود. اخازی و باج‌گیری از مهم‌ترین روش‌های گروه‌های مجرمانه است که از سوی سازمان‌های تروریستی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. بمب‌گذاری‌های مافیای ایتالیا در موزه معروف "اوفیزی" در شهر فلورانس در سال ۱۹۹۳ مصداقی از تخصیص فعالیت است. ممکن است تصور شود که در این مورد، مافیا به یک گروه تروریستی تبدیل شده‌است اما واقعیت این است که آنها تنها به دنبال به کار بردن روش‌های تروریستی برای دستیابی به اهداف اقتصادی خود بودند. به اعتقاد شلی، یک گروه تروریستی به ندرت در یک تعامل پیوندی مشارکت می‌کند؛ چراکه به‌سختی می‌تواند گروه‌های مجرمانه‌ای را پیدا کند که مایل به انجام کسب‌وکار با آنها باشد؛ یا به دلیل این امر که گروه‌های تروریستی هیچ‌گونه فایده‌ای را در همکاری با افرادی که خارج از گروه آنها هستند، نمی‌بینند. در این حالت، گروه‌های تروریستی ممکن است درگیر فرآیند "تبدیل" شوند و کاملاً در فعالیت‌های مجرمانه مشارکت نمایند. فارک در کلمبیا مصداق بارز فرآیند تبدیل سازمان‌های تروریستی به سازمان‌های مجرمانه است. این سازمان هم‌اکنون کمی از انگیزه‌های سیاسی خود دست برداشته و به سازمانی که فقط به دنبال کسب سود بوده و از خشونت برای انگیزه‌های اقتصادی استفاده می‌کند، تبدیل شده‌است. سودها و منافع می‌تواند در نهایت، اهداف سنتی (انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک) و روش‌های تروریست‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. تعامل پیوندی در عین حال، وسیله است برای یک رابطه "هم‌زیستی" بین گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته و گروه‌های تروریستی. در واقع، شلی ادعا می‌کند که یک تعامل پیوندی در طولانی‌مدت منجر

به روابط عمیق تر برای ایجاد یک تعامل هم‌زیستی خواهد شد؛ یک رابطه از منافع متقابل و یا وابستگی. در نهایت، تعامل "ترکیبی" زمانی حاصل می‌شود که دو گروه برای یک دوره بلندمدت به همکاری‌های خود ادامه می‌دهند و اعضای گروه‌های مجرمانه سازمان یافته شروع به اشتراک گذاری اهداف ایدئولوژیک تروریست‌ها می‌نمایند، به‌طور فزاینده‌ای رشد می‌کنند و سرانجام، با هم ادغام و ترکیب می‌شوند. با این توضیح، یک سازمان ترکیبی هم در فعالیت‌های مجرمانه مشارکت می‌کند و هم دارای یک برنامه و هدف سیاسی و ایدئولوژیک است (Shelley, 2005: 52-67). شلی تأکید می‌کند زمانی که این دو گروه به نقطه تعامل ترکیبی رسیدند، دیگر دلیلی برای تصور نمودن فرآیند تبدیل که بعداً اتفاق خواهد افتاد، وجود ندارد. علاوه بر این، تخصیص فعالیت‌ها به‌هیچ‌وجه برای انجام همکاری‌های آینده بین این دو گروه دلالت ندارد. با ذکر این چشم‌انداز همیشه در حال تغییر، شلی بر شناسایی و بررسی چشم‌انداز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تعاملات خاص بین جرم و ترور تمرکز داشته‌است (UNODC Education, op. cit, 2019: 22). به‌طور کلی، باید گفت که وقتی تروریست‌ها به روش‌ها و امکانات خاصی احتیاج دارند که خودشان قادر به فراهم کردنشان نیستند، به گروه‌های مجرمانه سازمان یافته به‌عنوان یک "ارائه‌دهنده خدمات جنایی" نگاه می‌کنند (Williams, 2006: 200).

### ۳. ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر

اگرچه تروریست‌ها به دنبال اهداف سیاسی و ایدئولوژیک و قاچاقچیان موادمخدر به دنبال کسب سود و منافع مالی هستند اما دارای وجوه اشتراک زیادی هستند؛ بنابراین، برای درک بهتر ارتباط بین گروه‌های تروریستی و گروه‌های قاچاق موادمخدر نیاز است تا در ابتدا به تشابهات این دو گروه به‌صورت خلاصه اشاره شود (Durnagol, op. cit: 65-66):

۱. هر دو به‌صورت فراملی و در سراسر جهان فعالیت می‌کنند و از روند مرتبط با جهانی شدن رشد فناوری سود می‌برند؛
۲. هر دو سعی در ادغام شدن در جوامع بومی محلی برای فراهم کردن یک پوشش مناسب برای فعالیت‌های غیرقانونی خود هستند؛
۳. هر دو در کشورها و مناطقی فعالیت می‌کنند که دارای حکومت‌های قدرتمندی نیستند و هر دو به دنبال تضعیف دولت‌ها برای گسترش و اجرای عملیات‌های خود هستند؛
۴. هر دو از مرزهای پر نفوذ و متخلخل سود می‌برند؛

۵. هر دو به شدت به فناوری شبکه‌ای (سلولی) و دوری جستن از شناسایی شدن تکیه دارند؛  
۶. هر دو از ابزار خشونت برای تسلط بر مناطق فعالیت خود استفاده کرده و به دنبال تضعیف حاکمیت قانون هستند؛

۷. هر دو یک جمعیت یا گروهی از مردم را به صورت نامشخص هدف قرار می‌دهند.  
با وجود این شباهت‌ها، یکی از محققان در تعبیری زیبا عنوان کرده‌است که شباهت‌ها در عملیات‌های این دو گروه به یک "ازدواج مصلحتی" بین آنها منجر شده‌است (Curtis, G, et al, 2002). به‌طور کلی، ارتباط بین این دو گروه در این نکته خلاصه می‌شود: سازمان‌های تروریستی با مشارکت در قاچاق موادمخدر به دنبال تأمین مالی خود هستند و در مقابل، قاچاقچیان موادمخدر نیز از روش‌های رعب‌آور و خشونت‌آمیز تروریستی برای تسهیل تجارت موادمخدر استفاده می‌کنند (Thomas, 2009). برای سازمان‌های تروریستی، قاچاق موادمخدر یک هدف اصلی نیست بلکه ابزاری است برای دستیابی به اهداف آرمانی سیاسی و ایدئولوژیک آنها. قاچاق موادمخدر معمولی‌ترین زمینه‌ای است که در کل، ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان‌یافته در آن آشکار است. موادمخدر نه تنها یک منبع عالی درآمد برای گروه‌های تروریستی محسوب می‌گردد بلکه در مواردی، منجر به ترکیب و ادغام این دو گروه شده‌است. اداره مبارزه با موادمخدر آمریکا در گزارشی اعلام کرده‌است که ۶۰ درصد از سازمان‌های تروریستی که توسط وزارت خارجه این کشور در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار گرفته‌اند، درگیر تجارت موادمخدر هستند و در این میان، ۱۹ سازمان از ۴۲ سازمان تروریستی خارجی به‌طور مستقیم، در قاچاق موادمخدر مشارکت دارند (Rana. op. cit: 2). با وجود میزان بالای غیرقابل اطمینان بودن برآوردها، بازارهای موادمخدر که توسط قاچاقچیان موادمخدر تغذیه می‌شوند بزرگ‌ترین بازارهای غیرقانونی دنیا از حیث میزان درآمدی که تولید می‌کنند، محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۰۵ و در یکی از نظام‌مندترین تلاش‌ها برای برآورد گردش مالی بازارهای موادمخدر در آن زمان، برآورد دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل در این خصوص، در حدود ۳۲۲ میلیارد دلار در سطح خرده‌فروشی بوده‌است. با به‌روزرسانی این برآورد در سال ۲۰۱۷، این نهاد اعلام کرد که بازار جهانی موادمخدر در سال ۲۰۱۴ به ارزش ۴۲۶ تا ۶۵۲ میلیارد دلار بوده‌است (UNODC Report, 2017). در حال حاضر، برآورد شده‌است که صنعت موادمخدر در حدود ۷ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارد و این در حالی است که طبق اعلام صندوق بین‌المللی پول، تجارت موادمخدر سهمی ۲ درصدی از اقتصاد جهانی را دارا است (Hutchinson. et al, 2007: 1095-1107).

یک تحقیق صورت گرفته از سوی موسسه پژوهشی دفاعی نروژ که موضوع تأمین مالی ۴۰ نقشه عملیات‌های تروریستی مهم در اروپا بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۵ را مورد بررسی قرار داده است، نشان می‌دهد که فروش و قاچاق موادمخدر نقش بسیار مهمی در ۴۰ درصد از این موارد داشته است. فارغ از بحث تأمین مالی تروریسم، موادمخدر در حالت‌های زیر به تروریسم یاری می‌رساند (Jeet): (Kaur, op. cit: 51)

۱. قاچاق موادمخدر یک بی‌ثباتی کلی را در همه کشورهای که درگیر معضل موادمخدر هستند، ایجاد می‌کند و در نتیجه، یک محیط بی‌ثبات، بی‌نظم و پر از هرج و مرج در چنین کشورهایی، در رشد و توسعه نار کورتروریسم کمک شایانی می‌کند.
۲. قاچاق موادمخدر فساد را در میان طبقات مختلف جامعه به وجود می‌آورد که از قضا در برخی از موارد، خود این بخش‌ها مسئولیت مقابله با آن را برعهده دارند؛ بنابراین، یک جامعه فاسد یک محیط امن را برای تروریست‌ها مهیا می‌کند.
۳. معضل موادمخدر باعث می‌شود که بسیاری از تشکیلات دولتی تضعیف شوند؛ چراکه آنها درگیر مبارزه با این پدیده هستند و چنین شرایطی برای تروریست‌ها بسیار سودمند است.
۴. قاچاقچیان موادمخدر حمایت‌ها و خدمات متنوعی را به تروریست‌ها ارائه می‌کنند؛ از جمله تهیه و تدارک سلاح و مهمات، تهیه اسناد هویتی و مسافرتی مجعول، جابه‌جایی و انتقال تروریست‌ها از مرزهای قاچاق، پول شویی و انتقال پول، عضوگیری و استخدام نیروهای جدید از میان کشاورزان فقیر تولیدکننده موادمخدر و حتی از میان قاچاقچیان موادمخدر و در نهایت، از این طریق قادر به کمک رسانیدن به هر دو هدف - قاچاق موادمخدر و تروریسم - هستند

در یک ارزیابی کلی، سازمان‌های نار کورتروریستی، منابع مالی خود را از چندین روش ناشی از مداخله در تجارت موادمخدر به دست می‌آورند. برخی از سازمان‌های تروریستی به صورت مستقیم در مراحل مختلف تجارت موادمخدر که شامل مراحل کشت، تولید، ترانزیت، توزیع و فروش آن است، مشارکت می‌کنند؛ به عنوان مثال، طالبان و القاعده در افغانستان و فارک در کلمبیا از بزرگ‌ترین سازمان‌های نار کورتروریستی دنیا هستند که به ترتیب، در کشت و تولید تریاک، هروئین و کوکائین مشارکت داشته‌اند. در مقابل، پ.ک.ک در ترکیه یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تروریستی است که تمرکز خود را بر قاچاق، ترانزیت و توزیع موادمخدر به ویژه هروئین تولیدشده در افغانستان و عرضه آن در اروپا معطوف داشته است (Piazza, 2011). در یکی از معمولی‌ترین

شیوه‌ها، سازمان‌های تروریستی جدا از مشارکت مستقیم خود در تجارت موادمخدر، از اخذ مالیات بر کشاورزان و قاچاقچیان موادمخدر که در مناطق تحت کنترل آنها فعالیت می‌کنند، درآمد به دست می‌آورند؛ به‌عنوان مثال، طالبان در افغانستان یک مالیات ۱۰ درصدی را بر کشاورزان و قاچاقچییانی که محصول خشخاش را از کشاورزان خریداری می‌کنند، مقرر داشته و همچنین، تعرفه‌هایی را از بابت هر کیلوگرم بر کامیون‌هایی که موادمخدر را ترانزیت می‌کنند و همین‌طور، آزمایشگاه‌هایی که تریاک را به هروئین تبدیل می‌کنند، دریافت می‌دارند (FATF, 2014: 42-43). سازمان‌های نارکو تروریستی، همچنین، با ارائه خدمات حفاظتی به گروه‌های قاچاقچی موادمخدر و تضمین انتقال و ترانزیت امن محموله‌های موادمخدر کسب درآمد می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، طالبان در سال ۲۰۰۹ در حدود ۱۵۵ میلیون دلار از این طریق به دست آورده‌است (secretary General Report, 2015, part 26). سازمان‌های تروریستی در عین حال، از موادمخدر به‌عنوان نوعی ابزار مبادله‌ای استفاده می‌کنند و در این زمینه، سازمان فآرک بسیار فعال است. گزارش تحقیقات مشترک اسپانیا - کلمبیا در سال ۲۰۰۸ نشان داد که فآرک اطلاعات تاکتیکی و لجستیکی خود را با سازمان تروریستی اسپانیایی "اتا" به اشتراک گذاشته‌است. در این رابطه، اتا به آموزش شاخه‌های فآرک در مورد روش‌های چریکی و استفاده از مواد منفجره پرداخت و فآرک نیز در ازای این آموزش‌ها، موادمخدر را در اختیار این سازمان قرار داد (Minteh, 2013: 12).

با شناسایی اشکال مختلف ارتباط و تعامل میان گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و قاچاق موادمخدر و با استناد به نظریه هم‌گرایی - یعنی ترکیب و ادغام دو گروه در یک موجودیت واحد - به‌طور خلاصه، این عقیده شکل گرفته‌است که هم‌گرایی میان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی به‌ویژه قاچاق موادمخدر، به یک روند رو به رشد در جغرافیای سیاسی شکل گرفته در پایان قرن بیستم تبدیل شده‌است. اما در پاسخ باید گفت که مفهوم هم‌گرایی نباید در سطح جهانی اعمال شود (De la corte Ibanez, 2013: 22). ارتباط و تعامل بین این دو پدیده همیشه یکسان نیست و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. از سوی دیگر، سطح مشارکت سازمان‌های تروریستی در تجارت موادمخدر نیز یکسان نبوده و از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. اسناد حقوقی بین‌المللی که به موضوع ارتباط بین این دو پدیده پرداخته‌اند نیز از منظر ترمینولوژیک از عباراتی استفاده کرده‌اند که اگرچه متبادر کننده مفهوم ارتباط، پیوند و تعامل است اما از منظر حقوقی نشان نمی‌دهد که کدام یک از اشکال ارتباط و تعامل بین این دو پدیده را مدّ نظر دارد. به نظر نگارنده، نظریه هم‌گرایی تنها در مورد برخی از سازمان‌های نارکو تروریستی و نه همه آنها (از جمله القاعده در

افغانستان، فارک در کلمبیا، پ.ک.ک در ترکیه و ابوسیاف در فیلیپین) قابلیت اعمال دارد.

#### ۴. ادغام مبارزه جهانی با تروریسم و موادمخدر

با توجه به اهمیت و نقش فزاینده تجارت موادمخدر در تأمین مالی تروریسم در حال حاضر، رویه جامعه جهانی نشانگر ترکیب و ادغام تلاش‌های جهانی در مبارزه با این دو پدیده است که مهم‌ترین چالش‌های صلح، ثبات و امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردند. جدایی سنتی اقدامات جهانی بر ضد تروریسم و موادمخدر پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به تدریج کاسته شد و تأکید بر افزایش همکاری‌های جهانی مورد حمایت قرار گرفت. این موضوع به راحتی در بررسی بسیاری از اسناد حقوقی بین‌المللی، کنفرانس‌ها و همایش‌های مقرر شده در مورد مبارزه با موادمخدر و تروریسم قابل مشاهده است. فرضیه ادغام دو جنگ یا مبارزه با این دو پدیده براساس شباهت‌های تهدیدها و خطرات آنها بوده است و طرفداران این فرضیه معتقدند که ابزارهای حقوقی لازم برای مبارزه با قاچاق موادمخدر و تروریسم بین‌المللی یکسان و مشابه است. بسیاری از اقدامات ضد تروریستی و ضد موادمخدر وابسته به جمع‌آوری اطلاعات دریافتی از شبکه‌ها، گروه‌ها و اشخاص در خصوص برنامه‌ها و طرح‌های تروریست‌ها در رابطه با حملات و فعالیت‌های آینده آنها است. به عنوان مثال، بسیاری از مسیرهای ترانزیت موادمخدر مورد استفاده قاچاقچیان از جانب تروریست‌ها نیز برای نقل و انتقال اعضا و تجهیزات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین، اطلاعات مربوط به این مسیرها می‌تواند از طریق ارتباطات اطلاعاتی بین‌سازمانی برای هر دو نهادهای مبارزه‌کننده با تروریسم و قاچاق موادمخدر سودمند باشد (Bjornehed, 2004: 314).

مبارزه با موادمخدر نقش به‌سزایی در مقابله با تروریسم دارد؛ از این رو، پس از اینکه دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل در گزارش سال ۲۰۱۲ خود به صراحت اعلام کرد که بی‌شک ارتباطات و پیوندهایی میان تروریسم و موادمخدر وجود دارد، ماریا کاستا - مدیر اجرایی این نهاد - اعلام کرد که مبارزه با قاچاق موادمخدر به معنای مبارزه با تروریسم است. آرتورو ساروکان - سفیر مکزیکی در آمریکا - در نطقی جنجالی و در پاسخ به مقامات آمریکایی اعلام کرد: «اگر شما به سازمان‌ها و کارتل‌های موادمخدر مکزیکی برچسب تروریستی می‌زنید، در عوض، شما نیز آغازگر تأمین مالی تروریسم به لحاظ مصرف گسترده موادمخدر هستید» (Gomis, 2015:12). موضوع ادغام و ترکیب جنگ بر ضد تروریسم و جنگ بر ضد موادمخدر، امروزه، در سیاست‌های بسیاری از کشورها کاملاً قابل مشاهده است. آمریکا مدعی است که تاکنون صدها میلیون دلار صرف مبارزه با تولید موادمخدر

در افغانستان - که منبع اصلی تأمین مالی القاعده و طالبان است - نموده است؛ اما بر اساس گزارش‌ها و بعد از اشغال نظامی افغانستان در سال ۲۰۰۱ توسط آمریکا نه تنها از تولید موادمخدر در این کشور کاسته نشده است بلکه با افزایش سه‌برابری نیز مواجه بوده است (Vaicus, 2003: 13).

**د. اقدامات و تلاش‌های حقوقی بین‌المللی برای مقابله با ارتباط بین تروریسم و موادمخدر**  
 بعد از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ موضوع ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان‌یافته فراملی به‌ویژه قاچاق موادمخدر و تهدیدهای فزاینده چنین ارتباطاتی بر امنیت بین‌المللی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارکان سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای امنیت در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های خود، همواره نگرانی عمیق خود را در خصوص وجود تعامل و ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر ابراز داشته‌اند. از لحاظ تاریخی، مجمع عمومی سازمان ملل رکن پیشگام این سازمان در شناسایی و تأکید بر وجود چنین ارتباطاتی بوده است. مجمع عمومی از اواخر دهه ۱۹۸۰ از روابط رو به رشد بین تروریسم و قاچاق موادمخدر در چندین قطعنامه خود ابراز نگرانی کرده است.<sup>۱</sup>

سه کنوانسیون ضدّ موادمخدر تدوین شده توسط مجمع عمومی، به‌طور خاص به سازمان‌های تروریستی نپرداخته‌اند؛ با این حال، در مقدمه کنوانسیون ۱۹۸۸ به درک روابط بین قاچاق موادمخدر و سایر فعالیت‌های مجرمانه که نظام اقتصادی را تضعیف و امنیت و حاکمیت دولت‌ها را تهدید می‌کند، اشاره شده است. همچنین، این کنوانسیون در ماده ۳ خود دخالت یا مشارکت یک گروه مجرمانه سازمان‌یافته، مشارکت مجرم در سایر جرایم سازمان‌یافته فراملی و دخالت مجرم در سایر اقدامات غیرقانونی تسهیل شده به‌واسطه ارتکاب جرم موادمخدر را از عوامل تشدید مجازات بر اساس مقررات این کنوانسیون مقرر نموده است. اگرچه در این ماده، اشاره‌ای به تروریسم نشده است اما واضح است که نارکو تروریست‌ها به راحتی می‌توانند تحت شمول مفاد این ماده قرار بگیرند. همچنین، در مقدمه کنوانسیون ۱۹۹۹ تأمین مالی تروریسم به مقابله با تأمین مالی تروریسم ناشی از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم سازمان‌های تروریستی در فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق سلاح و قاچاق موادمخدر اشاره شده است. کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰ در مقدمه خود، دو بار به رشد ارتباطات بین تروریسم و جرایم سازمان‌یافته اشاره داشته و مجمع

۱. جوع کنید به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)۱۴۲/۴۴، (۱۹۹۰)۱۴۲/۴۴، (۱۹۹۰)۱۴۹/۴۵، (۱۹۹۰)۱۰۳/۴۶، (۱۹۹۳)۱۱۲/۴۸، (۱۹۹۳)۱۰۲/۴۷

عمومی در بند ششم قطعنامه ۵۵/۲۵ خود که سند تأسیس کنوانسیون مذکور می باشد، از همه کشورها درخواست می کند تا ارتباطات میان این دو را مورد شناسایی قرار دهند. لازم به یاد آوری است که مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس ویژه سال ۱۹۹۸ خود در مورد معضل جهانی موادمخدر ضمن ابراز نگرانی از وجود ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر و دادن هشدار نسبت به خشونت فزاینده ناشی از این ارتباط، تعهد به ترویج همکاری های چند جانبه منطقه ای و بین المللی و همکاری های دو جانبه بین مقامات قضایی و انتظامی برای مقابله با سازمان های مجرمانه درگیر در جرایم موادمخدر را برای کشورها مقرر داشته است.<sup>۱</sup> مجمع عمومی در قطعنامه ۵۸/۱۳۶ خود در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۳ از کشورهای عضو دعوت کرد تا درباره ماهیت پیوندها میان تروریسم و سایر اشکال جرایم به شخص دبیر کل سازمان ملل اطلاعات بدهند. اطلاعات دریافتی از سوی کشورها نشان داد که ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان یافته به ویژه قاچاق موادمخدر، بیشتر نوعی پیوند با ماهیت عملیاتی، تدارکاتی یا تأمین مالی بوده است و این دو دارای اتحادی عمیق هستند. شورای امنیت سازمان ملل متحد که عهده دار مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی بر اساس منشور سازمان ملل متحد است، در اسناد مختلفی به موضوع این ارتباط پرداخته و تعهدات الزام آوری را برای کشورهای عضو مقرر نموده است. در مهم ترین و اولین تلاش های شورا در این رابطه و متعاقب عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ در ۲۸ سپتامبر همان سال، تعهدات الزام آوری را برای کشورهای عضو به ویژه جرم انگاری تروریسم و اقدامات مرتبط با آن و مبارزه با تأمین مالی آن مقرر نمود. این قطعنامه که امروزه، به عنوان مهم ترین سند حقوقی مبارزه با تروریسم بین المللی محسوب می گردد، ضمن توصیف تروریسم به عنوان تهدیدی بر ضد صلح و امنیت، موضوع تأمین مالی تروریسم را هدف قرار داده و آن را عملیاتی مجرمانه قلمداد نموده است. در بند ۴ این قطعنامه شورای امنیت بر ارتباط نزدیک بین تروریسم بین المللی و جرایم سازمان یافته از جمله قاچاق موادمخدر، پول شویی، قاچاق سلاح و جابه جایی غیرقانونی مواد هسته ای، شیمیایی، بیولوژیکی و دیگر مواد بالقوه کشنده را با دقت مدنظر قرار داده و در این راستا بر نیاز به افزایش هماهنگی در تلاش ها در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی به منظور تقویت پاسخ های جهانی به این چالش جدی و تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین المللی تأکید می کند.<sup>۲</sup> یک سال بعد، شورا در قطعنامه ۲۵۲۶ خود در ژانویه ۲۰۰۴ به موضوع مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن نسبت به

۱. نشست ویژه مجمع عمومی در مورد مبارزه با معضل جهانی موادمخدر، ۱۹۹۸، بخش های ۱۰، ۱۱ و ۱۶

۲. قطعنامه ۲۰۰۱ (۱۳۷۳) شورای امنیت سازمان ملل متحد، بخش ۴



فعالیت‌های القاعده و طالبان و تراکنش‌های مالی بین‌المللی آنها و موضوع امنیت مرزی و از جمله امنیت بندرها و تحریم تسلیحاتی و کنترل صادرات و قاچاق موادمخدر پرداخت.

رئیس شورای امنیت در بیانیه خود در ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ در مورد موضوع ملاحظات شورا در رابطه با تهدیدهای ضد صلح و امنیت بین‌المللی ابراز داشت که شورا از افزایش ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر و تأمین مالی تروریسم از جمله از طریق استفاده از درآمدهای حاصل از کشت، تولید و قاچاق موادمخدر و مواد پیش‌ساز آنها ابراز نگرانی می‌کند. این شورا، در بیانیه ۲۵ آپریل ۲۰۱۲ خود، قاچاق فرامرزی غیرقانونی از جمله قاچاق موادمخدر، جرایم سازمان‌یافته و تروریسم را یک چالش جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی مطرح می‌کند<sup>۱</sup> و همچنین، در بیانیه ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ خود در مورد ملاحظات شورا در مورد صلح و امنیت در آفریقا، ضمن ابراز نگرانی عمیق از افزایش پیوندها میان قاچاق موادمخدر و سایر اشکال جرایم سازمان‌یافته و تروریسم، تأکید می‌کند که قاچاق موادمخدر و جرایم سازمان‌یافته به‌ویژه در منطقه ساحل و غرب آفریقا، در تضعیف حاکمیت، ثبات و امنیت، توسعه اقتصادی، اجتماعی و حاکمیت قانون تأثیرگذار است. اما نقطه اوج توجه شورای امنیت به موضوع کسب سود تروریست‌ها از قاچاق موادمخدر و به‌طور کلی جرایم سازمان‌یافته، مربوط به صدور قطعنامه ۲۱۹۵ در ۱۹ دسامبر سال ۲۰۱۴ و با همین عنوان است. به‌صورت خلاصه، در این قطعنامه، شورا ضمن یادآوری تعهدات کشورها بر اساس قطعنامه‌های پیشین به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ بر ضرورت کار جمعی برای جلوگیری و مبارزه با تروریسم در تمامی اشکال و شیوه‌های آن از جمله سود بردن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته تأکید می‌کند. شورا ضمن درخواست از کشورها برای تقویت مدیریت مرزی برای جلوگیری از تحرکات تروریست‌ها که از این جرایم منتفع می‌شوند، از کشورها می‌خواهد که تصویب و اجرای کنوانسیون‌های سه‌گانه ضد موادمخدر، کنوانسیون‌های ضد تروریسم، کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته و کنوانسیون ۲۰۰۳ مقابله با فساد را به‌عنوان یک اولویت برای دستیابی به اهداف این قطعنامه در نظر بگیرند. قطعنامه همچنین، بر مبارزه با فساد و پول‌شویی و اهمیت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس اصل مسئولیت مشترک برای مبارزه با معضل جهانی موادمخدر تأکید کرده و ظرفیت‌سازی کشورها برای مقابله با تهدید انتقال تروریست‌ها از این جرایم را مورد تشویق قرار می‌دهد.<sup>۴</sup>

1. S/PRST/2010/4
2. S/PRST/2012/16
3. S/PRST/2013/22

در ۱۲ فوریه سال ۲۰۱۵ شورای امنیت قطعنامه ۲۱۹۹ را با هدف مقابله با موضوع تأمین مالی گروه‌های تروریستی داعش، النصره و القاعده به‌ویژه از طریق تجارت نفت و منابع طبیعی تصویب نمود. این قطعنامه اگرچه موضوعات مزبور را هدف‌گذاری نموده‌است اما به موضوع موادمخدر و قاچاق آن، هم به صورت ضمنی و هم به صراحت اشاره کرده‌است. این قطعنامه در بند ۶ خود بر این نکته تأکید می‌کند که منابع اقتصادی شامل نفت و فرآورده‌های نفتی و "سایر منابع طبیعی" است که بودجه نیستند اما به صورت بالقوه می‌توانند در کسب بودجه، خدمات یا کالا مورد استفاده قرار گیرند. در بند ۸ این قطعنامه نیز بر ضرورت اتخاذ اقداماتی برای پیشگیری و سرکوب تأمین مالی تروریسم از جمله درآمدهای ناشی از جرایم سازمان‌یافته از جمله قاچاق موادمخدر و مواد پیش‌ساز آن و همچنین، اهمیت تداوم همکاری‌های بین‌المللی برای این هدف اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> در همین سال، شورا در قطعنامه ۲۲۵۳ خود در ۱۷ دسامبر نگرانی شدید خود را از مشارکت داعش و القاعده و اشخاص و نهادهای مرتبط با آنها در اشکال مختلف جرایم سازمان‌یافته و کسب سود آنها از این جرایم از جمله قاچاق موادمخدر اعلام می‌دارد. در بند ۴ این قطعنامه شورا درآمدهای ناشی از کشت غیرقانونی، قاچاق موادمخدر و مواد پیش‌ساز آنها را از منابع تأمین مالی یا حمایتی تروریست‌ها قلمداد می‌کند.<sup>۲</sup>

در سال ۲۰۱۶، شورای امنیت در قطعنامه ۱۲ دسامبر خود، ضمن ابراز تأسف دوباره از انتفاع داعش و القاعده از جرایم سازمان‌یافته، در بند ۹ قطعنامه خواستار ارتقای همکاری بین کشورهای مقابله و جلوگیری از سود بردن تروریست‌ها از جرایم سازمان‌یافته فراملی و ظرفیت‌سازی در کشورهای برای پیگرد قضایی این تروریست‌ها و همکاران آنها می‌شود. در سال ۲۰۱۷ نیز شورا در سه قطعنامه ۲۳۴۷ و ۲۳۶۸ و ۲۳۹۵ ابراز نگرانی خود را از وجود ارتباط بین تروریسم و جرایم سازمان‌یافته و کسب سود آنها از این جرایم به خصوص قاچاق موادمخدر تکرار کرده‌است.<sup>۳</sup>

در ۸ اکتبر ۲۰۱۸، کمیته ضد تروریسم سازمان ملل یک جلسه تبادل نظر و توجیهی را برای کمک به تقویت ادراک از پیوندها و ارتباطات میان تروریسم و فعالیت‌های مجرمانه مرتبط با آن (از جمله قاچاق انسان، سلاح و موادمخدر) برگزار و شروع به انجام مباحثاتی در مورد عوامل مرتبط با این موضوع، آسیب‌پذیری‌ها و پاسخ‌های ممکن به آن نمود. در این جلسه بیان شد که تعاملات و

۱. قطعنامه ۲۱۹۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، فوریه ۲۰۱۵، بخش‌های ۶ و ۸

۲. قطعنامه ۲۲۵۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۷ دسامبر، بخش ۴

۳. قطعنامه ۲۳۲۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۶، قسمت ۹

۴. ر.ک. به: قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد: ۲۳۴۷، ۲۴ مارس؛ ۲۳۶۸، ۲۰ ژوئن و ۲۳۹۵، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷

همکاری میان تروریست‌ها و گروه‌های مجرمانه سازمان یافته می‌تواند در اشکال مختلفی صورت گیرد؛ از هم‌زیستی در یک قلمرو واحد گرفته تا اتحادهای خاص و مبتنی بر منافع مشترک و حتی هم‌گرایی و ادغام فعالیت‌ها.<sup>۱</sup>

در ۸ می ۲۰۱۸ شورای امنیت بیانیه ریاستی خود را مقرر نمود که در آن، ضمن یادآوری این نکته که ماهیت و دامنه ارتباطات میان تروریسم و جرایم سازمان یافته فراملی متنوع است، کشورها و همچنین، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را به تداوم انجام تحقیقات و بررسی‌ها برای درک بهتر ماهیت و دامنه این ارتباطات تشویق می‌کند و از کشورها می‌خواهد تا از سود بردن تروریست‌ها از این جرایم جلوگیری کنند. همچنین، شورای امنیت از کمیته مقابله با تروریسم سازمان ملل و کمیته‌های تحریمی خود که متعاقب قطعنامه‌های ۱۲۶۷، ۱۹۸۹، ۲۲۵۳ و ۱۹۸۸ بر ضد داعش و القاعده و افغانستان ایجاد شده بودند، درخواست نمود تا ظرف مدت ۱۲ ماه، یک اجلاس ویژه با موضوع پیوندهای میان تروریسم بین‌المللی و جرایم سازمان یافته فراملی را برگزار نمایند. در نهایت، این اجلاس ویژه در تاریخ ۲۶ آوریل ۲۰۱۹ و با محوریت استراتژی‌های منطقه‌ای، پاسخ‌ها و درس‌هایی که در بررسی و پرداختن به پیوندهای میان تروریسم و جرایم سازمان یافته آموخته شده است، برگزار گردید که در آن، ضمن شناسایی اشکال مختلف ارتباط، شرکت‌کنندگان به ارائه گزارش‌های خود در مورد ارتباط میان این دو پدیده در چهار حوزه منطقه‌ای آمریکای لاتین، غرب آفریقا، آسیا و اروپا پرداختند.<sup>۲</sup> شورای امنیت در ادامه تلاش‌های خود در مبارزه با این موضوع، یک جلسه بحث آزاد را در ۹ جولای ۲۰۱۹ برگزار و ضمن بررسی ابعاد این موضوع بر لزوم همکاری جامعه جهانی در مقابله با این تهدید تأکید نمود.<sup>۳</sup> در نتیجه، شورای امنیت ده روز بعد از این جلسه - یعنی در ۱۹ جولای ۲۰۱۹ - با تصویب قطعنامه ۲۴۸۲، به‌طور مستقیم، موضوع ارتباط و پیوند بین تروریسم و جرایم سازمان یافته را مورد هدف قرار داد. این قطعنامه در کنار قطعنامه ۲۱۹۵ و قطعنامه ۱۳۷۳ در حال حاضر، اصلی‌ترین اسناد حقوقی بین‌المللی در مبارزه با این تهدید فزاینده هستند، شورا ضمن اشاره به مفاد قطعنامه‌های قبلی، به‌ویژه تکرار ابراز نگرانی از سود بردن تروریست‌ها از جرایم سازمان یافته و وجود ارتباط میان این دو پدیده و شناسایی این نکته که ماهیت و دامنه ارتباطات آنها با توجه به محتوا و زمینه فعالیت آنها متفاوت است، بر این موضوع

۱. یادداشت مفهومی، جلسه توجیهی باز کمیته مبارزه با تروریسم، پیوند بین تروریسم بین‌المللی و جنایت سازمان یافته فراملی، دوشنبه ۸ اکتبر ۲۰۱۸

۲. شورای امنیت سازمان ملل متحد، بیانیه ریاست جمهوری، ۸ مه ۲۰۱۸، (S/PRST/2018/9)

۳. نشست ویژه مشترک کمیته مبارزه با تروریسم، پیوند بین تروریسم و جنایت سازمان یافته، جمعه ۲۶ آوریل ۲۰۱۹

۴. یادداشت مفهومی برای بحث آزاد شورای امنیت درباره پیوندهای موضوعی بین تروریسم بین‌المللی و جنایت سازمان یافته، ۹ ژوئیه ۲۰۱۹

تأکید می‌کند که حضور ترکیبی و توأمان تروریسم و جرایم سازمان‌یافته و افراط‌گرایی می‌تواند مخاصمات را در مناطق تحت‌تأثیر تشدید نماید و به تضعیف کشورها در امور مختلف از جمله امنیت، ثبات و توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر شود. شورای امنیت، همچنین، بر نیاز کشورهای عضو برای ارتقای ظرفیت آنها در عدالت کیفری، اجرای قانون و کنترل مرزها و توسعه ظرفیت آنها برای تحقیق، تعقیب و نابودی شبکه‌های قاچاق برای از بین بردن پیوندهای میان این دو تأکید می‌کند. در این قطعنامه، به‌طور خلاصه، شورای امنیت درخواست‌های خود مقرر در قطعنامه ۲۱۹۵ را مورد تکرار قرار می‌دهد؛ به‌ویژه لزوم همکاری و تبادل اطلاعات، کنترل مرزها، پیوستن به اسناد حقوقی بین‌المللی بر ضد تروریسم، قاچاق موادمخدر، فساد، پول‌شویی، پیگرد قضایی متهمان، اجرای استانداردهای بین‌المللی جامع و توصیه‌های چهل‌گانه کارگروه ویژه اقدام مالی در مبارزه با تأمین مالی تروریسم (FATF)، اصلاح قوانین داخلی و یا تصویب قوانین موردنیاز و تدوین استراتژی‌های موثر برای مقابله با پیوند میان این دو پدیده، افزایش آگاهی و درک عمومی از ماهیت پیوندها، درخواست از نهادهای سازمان ملل به‌ویژه دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل برای تداوم ارائه کمک‌های فنی به کشورهای عضو برای تقویت پاسخ و واکنش کشورها نسبت به این پیوندها. شورا در این قطعنامه، به‌طور خاص، به ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر اشاره می‌کند. در بند ۴ شورا از کشورهای عضو برای افزایش تلاش‌های خود و همچنین، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدهای ناشی از کشت غیرقانونی، تولید، قاچاق و مصرف موادمخدر و روان‌گردان که می‌تواند به میزان قابل توجهی به تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی کمک کند و اقدام بر اساس اصل مسئولیت مشترک در برخورد و مقابله با معضل جهانی موادمخدر از جمله از طریق همکاری بر ضد قاچاق موادمخدر و مواد شیمیایی پیش‌ساز درخواست به عمل می‌آورد و در این زمینه، از تلاش‌های مستمر دفتر مبارزه با موادمخدر و جرم سازمان ملل تمجید می‌کند. شورا در این قطعنامه نیز همانند قطعنامه ۲۱۹۵ از دبیر کل سازمان ملل درخواست می‌کند تا گزارشی جامع، از پیوند و ارتباط میان این دو پدیده ارائه دهد. لازم به ذکر است که شورای امنیت، قبل از تصویب قطعنامه ۲۴۸۲، در قطعنامه ۲۴۶۲ خود در ۲۸ مارچ ۲۰۱۹ به موضوع ارتباط و پیوند این دو پدیده اشاره کرده و همه کشورها را به تبادل اطلاعات برای درک بهتر ارتباطات ملزم نموده بود. این قطعنامه عملاً آخرین تلاش شورای امنیت برای مبارزه با تأمین مالی

تروریسم تا این لحظه محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup>

علاوه بر اقدامات مجمع عمومی و شورای امنیت، دبیر کل سازمان ملل نیز که بر اساس بند ۲۰ و ۲۱ قطعنامه ۲۱۹۵ ملزم به ارائه گزارشی جامع در مورد عملکرد نهادهای سازمان ملل در مبارزه با تهدید سود بردن تروریست‌ها از جرایم سازمان یافته بود، در ۲۱ می ۲۰۱۵ گزارشی جامع را در این رابطه ارائه داد. بنا به نظر دبیر کل، تأثیر سود بردن تروریست‌ها از این جرایم بر صلح و امنیت بین‌المللی رو به افزایش بود و تضعیف مشروعیت دولت‌ها ناشی از جرم و خشونت که حاصل وجود تعاملات و ارتباطات بین این دو پدیده بوده است، نشان دهنده یک چالش استراتژیک بسیار مهم است که نیازمند یک پاسخ جهانی است. گزارش دبیر کل حاوی توصیه‌هایی برای تقویت ظرفیت‌های دولت‌ها برای کاهش و در نهایت، از بین بردن تأثیرات سود بردن تروریست‌ها از منظرهای استراتژیک، عملیاتی، سیاسی و قانونی است. در ضمیمه این گزارش، به برخی از اقدامات نهادهای مرتبط با سازمان ملل که درگیر مبارزه با ارتباط بین این دو پدیده هستند، اشاره شده است.<sup>۲</sup>

در کنار تلاش‌های مزبور، جلسات بسیار مهمی نیز با نظارت برخی از ارکان وابسته به سازمان ملل در راستای شناسایی و مقابله با پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان یافته برگزار شده است. در همین رابطه، طرح ابتکاری پیوند میان تروریسم و جرایم سازمان یافته به رهبری هلند و همکاری موسسه تحقیقاتی بین‌منطقه‌ای عدالت و جرم سازمان ملل (UNICRI) و انجمن مبارزه با تروریسم جهانی (GCTF) مجموعه‌ای را با عنوان "شیوه‌های خوب"<sup>۳</sup> در مورد پیوند میان این دو پدیده ایجاد کرده است که می‌تواند به عنوان مبنای بسیار مناسبی برای مشارکت، همکاری، آموزش‌های بین‌المللی و هماهنگ کردن تلاش‌های کشورهای برای مقابله با چالش‌های احتمالی ناشی از این پیوند عمل کند. این سند که دارای ۲۵ بند توصیه‌ای است، در سپتامبر ۲۰۱۸ و در نهمین اجلاس وزیران انجمن مبارزه با تروریسم جهانی در نیویورک به تصویب رسید. سند "شیوه‌های خوب" مبتنی بر مباحثی است که طی چهار اجلاس منطقه‌ای در الجزایر، تیرانا، سنگاپور و نیروبی برگزار شد و به ترتیب، بر مناطق غرب آفریقا و ساحل، بالکان، جنوب و جنوب شرق آسیا و شاخ آفریقا و آفریقای شرقی متمرکز بوده است. در پانزدهمین کمیته هماهنگی این انجمن در مارچ ۲۰۱۹ در شهر مالاگای اسپانیا و با هدف عملیاتی کردن سند مزبور، کشورهای عضو با پیشگامی کشور هلند یک مجموعه

۱. قطعنامه ۲۴۶۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد ۲۸ مارس ۲۰۱۹

۲. گزارش دبیر کل در مورد تهدید تروریست‌های منتفع از جنایات سازمان یافته فراملی، ۲۱ مه ۲۰۱۵

۳. اقدامات خوب لاهه در مورد جنایات سازمان یافته و تروریسم فراملی Nexus، مجمع جهانی مبارزه با تروریسم (GCTF)، ۲۰۱۸

با عنوان "ابزار عملی" راه اندازی کرد. این مجموعه، برای همه ذی نفعان یک ابزار عملیاتی را برای استفاده و اجرای شیوه‌های خوب برای مقابله با چالش‌های پیوند میان این دو پدیده فراهم می‌کند. لازم به ذکر است که این مجموعه با همکاری موسسه تحقیقاتی بین منطقه‌ای جرم و عدالت ایجاد شده است و در مقدمه، قطعنامه ۲۴۸۲ شورای امنیت بر اجرای اصول مقرر در سند شیوه‌های خوب اشاره شده است. همچنین، در ۱۸ می ۲۰۱۸ همایشی با ابتکار دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل و دانشکده حقوق دانشگاه دوحه قطر و با هدف بحث در مورد تحقیقات جدید و آنالیزهای صورت گرفته در مورد اینکه چگونه تروریست‌ها و مجرمان سازمان یافته به طور فزاینده‌ای در حال همکاری با یکدیگر هستند، برگزار شد. در این همایش، شرکت کنندگان اشکال مختلف تعامل میان تروریسم و جرایم سازمان یافته را بررسی نمودند و تقریباً در بین همه کارشناسان این اتفاق نظر وجود داشت که حداقل سه سطح همکاری تعامل میان گروه‌های تروریستی و مجرمان سازمان یافته شامل هم‌زیستی، همکاری و هم‌گرایی وجود دارد. در این همایش، شرکت کنندگان بر وجود شواهد مستحکمی از این تعامل در قاچاق مواد مخدر تأکید کردند.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، در جدیدترین تلاش‌های جهانی صورت گرفته برای مقابله با موضوع پیوند بین تروریسم و جرایم سازمان یافته که به طور مستقیم به موضوع قاچاق مواد مخدر پرداخته است، باید به اعلامیه دوشنبه اشاره نمود. در تاریخ ۱۶ و ۱۷ می ۲۰۱۹ کنفرانس همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی مقابله با تروریسم و تأمین مالی آن از طریق قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته به میزبانی دولت تاجیکستان و با همکاری سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و سازمان امنیت و همکاری اروپا برگزار شد.<sup>۳</sup> در این کنفرانس نیز نمایندگان کشورها بر موضوع مبارزه با پیوند میان تروریسم و قاچاق مواد مخدر و البته سایر جرایم سازمان یافته و بر اهمیت اجرای کامل تعهدات قطعنامه‌های ۲۴۸۲، ۲۴۶۲ و شورای امنیت و لزوم همکاری و تبادل اطلاعات بیشتر میان کشورها در این خصوص تأکید ورزیدند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نارکو تروریسم به عنوان یک تهدید جدی بر ضد صلح، ثبات و امنیت بین‌المللی به ویژه بعد از حادثه

۱. مجموعه ابزار سیاست در مورد اقدامات خوب لاهه در رابطه با جنایات سازمان یافته فراملی و تروریسم، (UNICRI)، مارس ۲۰۱۹.  
 ۲. Unodc به تفکر جدید آکادمیک در مورد پیوند بین جنایات سازمان یافته و تروریسم دعوت می‌کند؛ بنگرید به: [www.unodc.org/dohadeclaration/en/multimedia/index.html](http://www.unodc.org/dohadeclaration/en/multimedia/index.html)  
 ۳. اعلامیه دوشنبه که در کنفرانس همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای مقابله با تروریسم و تأمین مالی تروریسم از طریق قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته فراملی به تصویب رسید، ۲۰۱۹

۱۱ سپتامبر توجه زیادی را به خود جلب نموده است؛ اما در عمل، تلاش‌های جهانی برای مقابله با این تهدید رو به رشد، آنچنان که باید و شاید، با موفقیت همراه نبوده است. این امر به عوامل مختلفی بستگی داشته است. از منظر سیاسی، گسترش ارتباطات میان تروریسم و موادمخدر، همان‌طور که دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۵ خود به شورای امنیت مطرح کرده است، به ساختار سیاسی ضعیف کشورهای که تعامل بین این دو پدیده در قلمرو سرزمینی آنها اتفاق می‌افتد، بستگی دارد. با دقت نظر در وضعیت کشورهای که در آنها پیوند و تعامل میان تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر عمیق است (به‌ویژه در افغانستان، پاکستان و کلمبیا) متوجه این موضوع خواهیم شد که نارکو تروریست‌ها اصولاً مناطقی را برای فعالیت خود انتخاب می‌کنند که در آن مناطق، ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، اقتدار حاکمیت و اجرای قانون بسیار ضعیف است. یقیناً چنین محیطی برای پیوند میان تروریست‌ها و قاچاقچیان موادمخدر و در نتیجه، گسترش نارکو تروریسم بسیار مناسب است.

از منظر اقتصادی، باید بیان داشت که در حال حاضر، به دلیل وجود منابع مالی عظیم و سودآور بودن قاچاق موادمخدر، این پدیده به مهم‌ترین منبع تأمین مالی سازمان‌های تروریستی مبدل گشته است. درآمد حاصل از موادمخدر به راحتی سازمان‌های تروریستی را قادر به ادامه حیات و انجام عملیات‌های بیشتر، عضوگیری، خرید سلاح و حتی - در مواردی که وضعیت اقتصادی کشاورزان تولیدکننده محصولات خام موادمخدر نامناسب بوده و درگیر فقر هستند - مشروعیت و حمایت‌های مردمی را به همراه داشته است. مشارکت سازمان‌های تروریستی در تجارت موادمخدر آنچنان گسترده است که می‌توان ادعا نمود که تمام مصرف‌کنندگان موادمخدر به صورت غیرمستقیم در تأمین مالی تروریسم نقش دارند. همچنین، ضروری است که به این نکته اشاره شود که اگرچه اقدامات جهانی برای کاهش موادمخدر می‌تواند مثمر‌تر باشد اما این امر به وضوح اثبات شده است که تا زمانی که تقاضای جهانی برای مصرف موادمخدر وجود دارد، هیچ‌گونه سیاستی در مقابله با قاچاق موادمخدر و همچنین، مقابله با نارکو تروریسم با موفقیت کامل همراه نخواهد بود.

از منظر حقوقی، رویکردهای حقوقی برای مقابله با هر دو موضوع تروریسم بین‌المللی و قاچاق موادمخدر به صورت مستقل و جداگانه صورت گرفته است. از آنجا که نارکو تروریسم یک جرم سازمان‌یافته فراملی ترکیبی است، از منظر حقوقی، مبارزه با آن نیز مستلزم ترکیب و به کارگیری تمامی اسناد حقوقی بین‌المللی تدوین شده در مقابله با جرایم تشکیل‌دهنده و تسهیل‌کننده نارکو تروریسم می‌باشد. به عبارت ساده‌تر، مبارزه با نارکو تروریسم مستلزم ترکیب مفاد و تعهدات

تمام کنوانسیون‌های ضد تروریستی سازمان ملل به خصوص کنوانسیون ۱۹۹۹ سرکوب تأمین مالی تروریسم و قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه‌های ۱۳۷۳، ۲۱۹۵، ۲۴۶۲ و ۲۴۸۲ شورای امنیت که تعهدات الزام آوری را برای کشورهای عضو جهت مقابله با ارتباطات میان تروریسم و جرایم سازمان یافته مقرر نموده است، کنوانسیون‌های سه گانه مبارزه با موادمخدر به ویژه کنوانسیون مبارزه با قاچاق موادمخدر و روان گردان ۱۹۸۸، کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان یافته فراملی موسوم به کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰، کنوانسیون ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد در مبارزه با فساد و همچنین تمامی اسناد حقوقی مربوط به مبارزه با پول شویی می باشد. از سوی دیگر، با توجه به فزاینده بودن تهدیدهای نارکو تروریستی در دنیا - که به عنوان گونه‌ای خاص از تروریسم، به یک نگرانی جدی برای اکثریت کشورها تبدیل شده است - لزوم تدوین یک سند عام جهانی از سوی سازمان ملل متحد همچون تمام کنوانسیون‌های ضد تروریستی که بنا به ضرورت برای مبارزه با گونه‌های خاصی از تروریسم تصویب شده‌اند، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بی شک تصویب چنین سندی می‌تواند خلأهای حقوقی مقابله با نارکو تروریسم را رفع کرده و گامی بسیار بلند در راستای نابودی آن محسوب گردد. علاوه بر این، همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه میان کشورها به ویژه همکاری‌های پلیسی، قضایی، گمرکی، آموزشی و به اشتراک گذاری و تبادل اطلاعات، نبود مرزهای متخلخل و باز و در اولویت قرار دادن و تقویت امنیت مرزی، ارائه محصولات جایگزین معیشتی به جای کشت موادمخدر برای کشاورزان، تصویب قوانین لازم برای مقابله با نارکو تروریسم و جرم‌انگاری آن در قوانین داخلی کشورها، تقویت قوانین ضد فساد، افزایش آگاهی عمومی در خصوص ارتباط بین تروریسم و قاچاق موادمخدر و نقش مصرف موادمخدر در تأمین مالی تروریسم، مبارزه گسترده با فقر و تقویت رفاه اجتماعی در جامعه از مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که در مبارزه با نارکو تروریسم می‌تواند مفید واقع شود.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ذاکری، مهدخت (۱۳۹۸)، "نارکو تروریسم، تهدیدی مشترک بر ضد امنیت انسانی و ملی کشورهای جنوب غرب آسیا"، مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری
- شریف زاده، زهره؛ میر کوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۸)، "نارکو تروریسم و تأثیر آن بر چند جانبه‌گرایی کشورهای آسیای مرکزی"، مجله سیاست و روابط بین‌الملل، سال سوم، شماره ۶



- ضالحیان، تاج‌الدین؛ پادروند، مهدی (۱۳۹۹)، "نارکوتروریسم در آسیای مرکزی، تهدیدهای پیش رو و اقدام‌های جمهوری اسلامی ایران و روسیه برای مقابله با آن"، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سیزدهم، شماره ۲

- جلالی، محمود؛ حیدرقلی‌زاده، جعفر؛ مقیمی، مهدی (۱۳۹۶)، "تروریسم موادمخدوری و رویکرد پیشگیرانه حقوقی جهانی و جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آن"، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۳۷

### منابع انگلیسی

- Abeyante. R, Narco Terrorism, Aviation Security Law, Springer\_Verlag Berlin Heidelberg, 2010
- Antonoglou. Yvonemarie, Organized Crime & Terrorism: Are They Converging? www. vocaleurope. eu
- Asal. Victor, Milward. H. Brinton, Schoon. Eric, When Terrorist Go Bad: Analyzing Terrorist Organizations Involvement in Drug Smuggling, International Studies Quarterly, 2015
- Bjiornehed. Emma, The Merger of the War on Drugs and the War on Terror, Global Crime, Vol. 6, No. 3&4, August - November 2004
- Boister Neil. Brett, The Suppression of Illicit Drugs Through International Law, University of Nottingham, 1998
- Braun. Micheal, Drug Trafficking and Middle Eastern Terrorist Groups: A Growing Nexus? The Washington Institute for Near East Policy, 25 July 2008
- Cacir Reha, An Unholy Alliance: Case Studies in Narco Terrorism, Thesis Prepared for Degree of Master of Science Criminal Justice, University of North Texas, August 2002
- Cassese. A, International Law, 2<sup>nd</sup> ed, Oxford University Press 2005
- Chantal. Thomas, Displinding Globalization : International Law, Illigal Trade and the Case of Narcotics , Michigan Journal of International Law, Vol. 24, Winter 2003
- Clarke. Colin. P, Drugs & Thugs: Funding Terrorism Through Narcotics Trafficking, Carnegie Mellon University, Journal of Strategic Security , Volume 9. No3, 2016

- Convention 1971 on Psychotropic Substances
- Counter - Terrorism Committeeon ,Concept Note,Open Briefing of the the Nexus Between International Terrorism and Transnational Organized Crime,Monday,8 October 2018
- Curtis. Glen. E,Farakan. T,The Among Terrorists , Narcotics Traffickers,Weapons Prolifelators,and Organized Crime Networks in Western Europe,Federal Research Division,Library of Congres,Washington DC,December 2002
- De la corte Ibanez,Luis,To What Extent Do Global Terrorism and Organised Criminality Converge?: General Parameters and Critical Scenarios,Institute of Forensic Sciences and of Security Autonomous University of Madrid,2013
- Durnagol. Engin,The Role of Drugs in Transnational Organized Crime,Ankara Bar Review,2009,Accessed;<http://www.ankarabarusu.org.tr/site/AnkaraBarReview/tekmakale/2009-2/6.pdf>
- Dushanbe Declaration Adopted at the Conference International and Regional Cooperation on Countering Terrorism and Financing of Terrorism by Drug Trafficking and Transnational Organized Crime,2019
- Ehrenfeld Rachel, Narco Terrorism, Newyork,Basic Book,1990
- FATF,Financing Flows Linked to the Protection and Trafficking of Afghan Opiates,June 2014
- Freeman. Michael,The Source of Terrorist Financing:Theory and Typology,Defense Analysis Department,Naval Postgraduate School,Monterey,CA,USA,2011
- General Assembly Second Committee- Special Conference on Foreign Intervention as a Means to Counter Drug Trafficking and Narco Terrorism,28 November\_1 December 2013
- General Assembly Special Session on Countering World Drug Problem,1998
- Gomis. Benoit,Demystifying of Narco Terrorism,Swansea University Prifysgol Abertawe,Policy Brief 9,May 2015
- Hague Good Practices on the Nexus Transnational Organized Crime and Terrorism,Global Counter Terrorism Forum(GCTF),2018

- Hartelius Jonas, Narco Terrorism Policy Paper, East West Institute and the Swedish Carnegie Institute, 2008
- Haupt David. A, Narco Terrorism: An Increasing Threat to U. S Nationality Security, A Master Thesis Submitted to the Faculty of the Joint Forces Staff College Joint Advanced Warfighting School, Thesis Advisor; Dr. Paul Melshen, June 2009
- Holmberg John, Narco Terrorism, TraCCC Graduate Student Research, George Mason University, May 2009
- Hutchinson, Asa, An Effective Drug Policy to Protect Americas Youth and Communities, Fordham Urban Law Journal, 2002
- Hutchinson. Asa, Statement of the Drug Enforcement Administration (DEA) Before the Senate Judiciary Committee Subcommittee on Technology, Terrorism and Government Information, 2002
- Hutchinson. Steven and Malley. Pat, A Crime - Terror Nexus? Thinking on Some of the Links Between Terrorism and Criminality, Studies in Conflict Terrorism 30, No 12, 2007
- International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999
- Jamal Khan, Kashif, Cutting the Links Between Drug and Terrorism: Countering Major Terrorist Financing Means, Master Thesis, Naval Postgraduate School, California, June 2013
- Jeet Kaur, Kamal, Narco Terrorism: A Social Legal Study with Special Reference to State of Punjab, A Thesis Submitted to PHD of Law, Department of Law Guru: Nanak Dev University Regional Campus, Jalandhar, India, 2016
- Jenner. Matthew. S, International Drug Trafficking; A Global Problem with Domestic Solution, Indiana Journal of Global Legal Studies, Vol. 18, Issue 2, Summer 2011
- Lupsha. P. A, Towards an Etiology of Drug Trafficking and Insurgent Relations: the Phenomenon of Narco Terrorism, International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice, 13. no. 2, 1989
- Makarenko. Tamara and Mesquita. Michael, Categorising the Crime - Terror Nexus in the European Union, 15 Global Crime, 2019

- Makarenko. Tamara, Crime, Terror and Central Asia Drug Trade, Harvard Asia Quarterly, Volume 6, Number 3, 2002
- Makarenko. Tamara, The Crime - Terror Continuum: Tracing the Interplay Between Transnational Organized Crime and Terrorism, Global Crime, Vol 6, 2004
- McCarthy, Deborah, Deputy Assistant Secretary for International Narcotic and Law Enforcement Affairs, Hearing Before the Committee on the Judiciary United States, Washington DC, May 2003
- McCormack Wayne and Breiholt Jeffrey, Defining Terrorism: Perfection as Enemy of the Possible, International Assessment and Strategy Center Website, January 17, 2007, See : [www. strategycenter. net/research/pubID. 141/pub\\_ detail. asp](http://www.strategycenter.net/research/pubID.141/pub_detail.asp), accessed 1 october 2019
- Minteh. Binneh S. Narco Terrorism: A Risk Assessment of Global Terrorist Linkages to International Drug Trade, Rutgers University, 2013
- Neuman. Peter and De farias. Salinas, Committee of Experts on Terrorism (CODEXTER), Report on the Links Between Terrorism and Transnational Organized Crime, Council of Europe, Strasbourg, 10 May 2017
- Nevirko, Dimitry. D, Narco Terrorism as a Threat to the National Security of the Russian, Journal of Siberian Federal University, Humanities & Social Sciences 2, 2017
- Oftedal. Emilie, The Financing of Jihadi Terrorist Cells in Europe, FFI, Report of Norwegian Defense Research Establishment, 2015
- Oxford Dictionary, the New Dictionary of English, Oxford University Press, 1999
- Paoli, Letizia, What is the the Link Between Organized Crime and Drug Trafficking, Published in Rausch, 6. Jahrgang, 2018, Accessed in : [www. researchgate. net/publication/325120387](http://www. researchgate. net/publication/325120387)
- Piazza. James, The Illicit Drug Trade, Counter Narcotics Strategies and Terrorism, Department of Political Science Pennsylvania State University, Springer Science + Business Media LLC, 2011
- Picarelli. John, Osama Bin Corleone? Vito the Jackal? Framing Threat Convergence Through an Examination of Transnational Organized Crime and International

Terrorism:terrorism and Political Violence,Vol. 24,Issue. 2,2012

- Policy Toolkit on the The Hague Good Practices on the Nexus Transnational Organized Crime and Terrorism,By UNICRI ,March 2019
- Rana. Reem ,Modisti. Kleopatra,Thr Linkage Between Illicit Drug Trafficking and Terrorist Groups,Old Dominion University Model United Nations(ODUMUNK),First Committee : Disarmament and International Security,2017
- Reitano. Tuesday , Clarke. Colin ,Adal. Laura,Examining of the Nexus Between Organized Crime and Terrorism and its Implications for EU Programing,CT - MORSE Consortium,2017
- Report of Europol,European Union Serious and Organized Crime Threat Assessment(SOCTA),Crime in the Age of Technology,2017
- Reports of the United Nations Office on Drug and Crime,2011,2012,2019
- Sari,Ismail,The Nexus Between Terrorism and Organized Crime:Growing Threat?,Ankara
- Sari,Ismail,The Nexus Between Terrorism and Organized Crime:Growing Threat?,Ankara press,2014,Accessed: <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/155620>
- Saul. Ben,The Legal Relation Between Terrorism and Transnational Organized Crime ,Sydney Law School ,Legal Studies Research Paper,No. 17/37,May 2017
- Schmid. Alex, Links Between Terrorism and Drug Trafficking: A Case of Narco Terrorism,International Summit on Democracy,Terrorism and Security,Januaey 27,2005
- Scott. P. D,Marshall. J,Cocaine Politics:Drugs,Armies and the CIA in Central America ,Oxford University of California Press. 1999
- Security Council Concept Not, Open Debate on the Theme Linkages Between International Terrorism and Organized Crime,9 July 2019
- Shelley. Louise. I,Picarelli. John. T,Methodes and Motives:Exploring Links Between Transnational Organized Crime and International Terrorism,Trends in Organized Crime 9. No. 2,2005

- Single Convention 1961 and the 1972 Protocol Amending the 1961 Convention
- Spinaci. Giulia, International Drug Trafficking from the Law to the practice: the Role of UNODC and the Afghan Case, A thesis Submitted for Masters Degree of International Relations, Libera University, Italy, Supervisor by: Prof. Maria Beatrice Deli, 2014
- Statement by the President of the Security Council 24 February 2010, (S/PRST/2010/4) and 24 April 2012 (S/PRST/2012/16) and 18 December 2013 (S/PRST/2013/22)
- Swanstrom, Niklas, The Narcotics Trade :A Treat to the Security? National and Transnational Implications, Global Crime , Vol. 8. Number 1, 2007
- the Counter –Terrorism Committee Joint Special Meeting : The Nexus Between Terrorism and Organized Crime, Friday, 26 April 2019
- the Secretary General Report on the Threat of Terrorists Benefiting from Transnational Organized Crime, 21 May 2015
- Thomas. John. E, Narco Terrorism: Could Legislative and Prosecutorial Responses threaten Our Civil Liberties, Washington and Lee Law Review, Volume 66, Issue 4, 2009
- UN Convention Against Illicit Traffick in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances
- United Nations General Assembly Resolutions 44/142(1989), 44/142(1990), 45/149 (1990), 46/103(1991), 47/102(1992), 48/112(1993)
- United Nations Security Council Resolutions 1373(september 2001), 2526(January 2004), 2195(december 2014), 2199(February 2015), 2322(December 2016), 2253(December 2017), 2347( march 2017), 2368(july 2017), 2395(December 2017), 2462(march 2019), 2482(july 2019)
- United Nations Security Council, Presidential Statement ,8 May 2018, (S/PRST/2018/9)
- UNODC Education for Justice, University Module Series ,Module 16 on Linkages Between Organized Crime and Terrorism, 2019
- Unodc Invites New Academic Thinking on Linkages Between Organized Crime

- and Terrorism, See: [www.unodc.org/dohadeclaration/en/multimedia/index.html](http://www.unodc.org/dohadeclaration/en/multimedia/index.html)
- Vaicius, Ingrid and Isacson, Adam "The War on Drugs' meets the 'War on Terror'", CIP International Policy Report, February 2003
  - Vastakas, Linas, The Definition of terrorism in International Law, Master Thesis of International Law, Mykolas Romeris University, Faculty of Law, Institute of International and European Law, Prepared 2013
  - Williams. Phil, Strategy for a New World: Combating Terrorism and Transnational Organized Crime, Strategy in the Contemporary World, An Introduction to Strategic Studies, 2006
  - Zulfu Oner. Mehmet, Drug Trafficking as a Transnational Crime, Law & Justice Review, Year 5, Issue 9, December 2014

